

احادیث رجال در سنت نبوی

و تشریح آنها با نقشه‌های امروزی



مؤلف

شیخ دکتر / عبد المحسن بن محمد القاسم
امام و خطیب مسجد نبوی شریف

احادیث دجال در سنت نبوی
و تشریح آنها با نقشه های امروزی

جهت آگاهی یافتن و دریافت جميع تألیفات مولف به لینک زیر

مراجعة کنید:



a-alqasim.com/books/

احادیث دجال در سنت نبوی و تشریح آنها با نقشه های امروزی

نوشته

شیخ دکتر عبدالمحسن بن محمد القاسم

امام و خطیب مسجد شریف نبوی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على نبينا محمد، وعلي
آله وصحبه أجمعين.
أما بعد:

همانا مسأله قیامت مسأله ای بسیار بزرگ است، والله متعال با رحمت
خویش برای برپایی قیامت و نزدیک شدن آن نشانه هایی نهاده است؛ تا
بندگان با دیدن آنها به سوی او بازگردند، و برای روز حساب، خویشان
را آماده سازند؛ همانگونه که برای بعضی از نشانه های قیامت علامت
هایی قرار داده است که با آن شناخته می شوند، از این نشانه ها می توان
به: خروج مسیح دجال اشاره نمود.

تمامی پیامبران امتشان را از فتنه بزرگ دجال آگاه و برحذر داشتند
و پیامبر ما صلی الله علیه وسلم نیز امت خویش را از دجال و کارهای
پلیدش با روشن ترین نشانه ها زنهاده است.

وبه دلیل خطر فتنه ی دجال احادیث صحیحی که در مورد آن آمده
است را جمع نمودم، و کلمات نامفهوم آن را بیان نمودم، و اماکنی که
در این احادیث ذکر شده است را با نقشه و عکس آنها مشخص نمودم،

و همچنین أسباب نجات از این فتنه بزرگ را ذکر نمودم؛ تا اینکه فرد مسلمان به یقین برسد که این همان مسیح دجال است؛ و از آن دوری و پرهیز نمایند، و این کتاب را: «أحادیث دجال در سنت نبوی و شرح آنها به همراه نقشه های امروزی» نامیدم.

از الله متعال خواستارم تا این کتاب را مفید قرار داده و همه ما را از فتنه دجال در امان بدارد.

وَصَلَّى اللهُ وَسَلَّم عَلَيَّ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

د. عَبْدُ الْمُحْسِنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسِمِ

إِمَامٌ وَخَطِيبٌ مُسْجِدِ نَبَوِي شَرِيفِ

در بیست و پنجم ماه رجب سال هزار

و چهار صد و سی و چهار این کتاب

را به پایان رسانده ام.

طرح کتاب

کتاب را به مباحث زیر تقسیم نمودم که به شیوه زیر آنها را مرتب کرده ام:

مَبْحَثُ أَوَّلُ: نام مَسِيحِ دَجَّال.

مَبْحَثُ دَوْم: علت نام گذاری او بـ «مَسِيحِ دَجَّال».

مَبْحَثُ سَوْم: أَحَادِيثِ مَسِيحِ دَجَّال ثابت می باشد.

مَبْحَثُ چَهَارَم: مَسِيحُ دَجَّال از نشانه های بزرگ قیامت.

مَبْحَثُ پَنجَم: بر حذر داشتن از مَسِيحِ دَجَّال.

مَبْحَثُ شَشَم: ترس صحابه از فِتْنَةِ مَسِيحِ دَجَّال.

مَبْحَثُ هَفْتَم: صفات مَسِيحِ دَجَّال.

مَبْحَثُ هَشْتَم: حَقِيقَتِ مَسِيحِ دَجَّال.

مَبْحَثُ نَهَم: ضَعْفِ مَسِيحِ الدَّجَّال.

مَبْحَثُ دَهَم: وضعيت کنونی مسیح دجال.

مَبْحَثُ یازدهم: نشانه های خُرُوجِ مَسِيحِ دَجَّال.

مَبْحَثُ دوازدهم: چه هنگام مَسِيحُ دَجَّال ظهور خواهد کرد؟

مَبْحَثُ سیزدهم: سَبَبُ خُرُوجِ مَسِيحِ دَجَّال.

المَبْحَثُ چهاردهم: مَكَانُ خُرُوجِ مَسِيحٍ دَجَّالٍ.

مَبْحَثُ پانزدهم: حَالُ مردم در هنگام ظهور مَسِيحٍ دَجَّالٍ.

مَبْحَثُ شانزدهم: سرعت حرکت کردن مَسِيحٍ دَجَّالٍ بر روی زمین.

مَبْحَثُ هفدهم: مَسِيحٍ دَجَّالٍ وارد مکه و مدینه نخواهد شد.

مَبْحَثُ هجدهم: ترس و وحشت دجال وارد مدینه نخواهد شد.

مَبْحَثُ نوزدهم: جایی که مَسِيحٍ دَجَّالٍ در اطراف مدینه در آن اتراق خواهد گزید.

مَبْحَثُ بیستم: مدت زمان مانگاری مَسِيحٍ دَجَّالٍ بر روی زمین.

مَبْحَثُ بیست و یکم: فِتْنَةُ مَسِيحٍ دَجَّالٍ.

مَبْحَثُ بیست و دوم: حکمت از فِتْنَةُ مَسِيحٍ دَجَّالٍ چیست.

مَبْحَثُ بیست و سوم: حُكْمُ پیروی و اطاعت مَسِيحٍ دَجَّالٍ.

مَبْحَثُ بیست و چهارم: شدیدترین مردم بر مَسِيحٍ دَجَّالٍ.

مَبْحَثُ بیست و پنجم: أَسْبَابُ نجات از فِتْنَةُ مَسِيحٍ دَجَّالٍ.

مَبْحَثُ بیست و ششم: کشته شدن مَسِيحٍ دَجَّالٍ.

مَبْحَثُ بیست و هفتم: نقشه های توضیحی در مورد اُماکنی که احادیث دجال آمده است.

نام مسیح دجال

مسیح دجال با معروف ترین صفت خویش که همان دجال باشد معروف شده است؛ در حالیکه او دارای چهاردیگر اسم می باشد.

۱- مسیح دجال:

رسول الله ﷺ فرمودند: «از شر فتنه مسیح دجال به الله پناه ببرید» (روایت مسلم)^(۱).

۲- مسیح گمراهی.

رسول الله ﷺ فرمودند: «مسیح گمراهی و ضلالت از طرف مشرق ظهور می کند» (روایت ابن حبان)^(۲).

۳- دجال یک چشم.

رسول الله ﷺ فرمودند: «همانا دجال یک چشم - مسیح گمراهی - از طرف مشرق ظهور می کند، در زمانی که مردم در اختلاف و

(۱) کتاب مساجد و مواضع نماز، باب: آنچه از آن در نماز پناه جسته می شود رقم (۵۸۸)، از حدیث ابی هریره رضی الله عنه.

(۲) کتاب تاریخ، باب فتنه ها و حادثه هایی که رسول الله ﷺ امت خویش را از آن باخبر ساخته است رقم (۶۸۱۲)، از حدیث ابی هریره رضی الله عنه.

پراکندگی به سر می برند» (روایت ابن حبان^(۱)).

۴- یک چشم دروغگو:

رسول الله ﷺ فرمودند: «هیچ پیامبری مبعوث نشده است مگر اینکه قوم خویش را از شر دروغگوی یک چشم بر حذر داشته است» متفق علیه^(۲).

اما نام: «مسیح دجال» ثابت نشده است.

ابن عبدالبر رحمه الله (در گذشته: ۶۳هـ) می گوید: «بعضی از راویان حدیث به جای مسیح، مسیح می گفتند، و بعضی دیگر به جای مسیح، مسیح می گفتند، که همه این نام ها نزد اهل علم اشتباه می باشد^(۳)».



(۱) کتاب تاریخ، باب فتنه ها و حادثه هایی که رسول الله ﷺ امت خویش را از آن باخبر ساخته است شماره (۶۸۱۳)، از حدیث ابی هریره رضی الله عنه.

(۲) روایت بخاری، کتاب فتن، باب ذکر دجال، رقم (۷۱۳۱)، و مسلم، کتاب فتن و أشراف قیامت، باب ذکر دجال و اوصاف آن و کسانی که همراه او خواهند بود، رقم (۲۹۳۳)، از حدیث انس بن مالک رضی الله عنه.

(۳) کتاب التمهید (۱۸۸/۱۴).

علت نام گذاری او به: «مسیح دجال»

اسم مسیح دجال از دو کلمه تشکیل شده است:

اول «مسیح» و دومی «دجال» که هر کدام از این دو کلمه دارای معنای خاصی بوده و سبب خاصی در نام گذاری دجال به آن دارد.

اولا: نام گذاری آن به مسیح:

بدین علت است که تمام زمین را دور می زند، و هیچ شهری را ترک نخواهد کرد مگر اینکه وارد آن خواهد شد مگر مکه و مدینه. و گفته شده است: علت این نام به خاطر این است که یکی از چشم هایش وجود ندارد^(۱).

دوما: نام گذاری آن به دجال:

به این علت که او دروغگو می باشد، و دجال برای مردم دروغ می گوید.

گفته شده است: به خاطر اینکه همه چیز را برای مردم واژگون جلوه می دهد^(۲).

(۱) کتاب التمهید (۱۸۸/۱۴)، تفسیر قرطبی (۸۹/۴).

(۲) کتاب شرح السنّة (۲۷/۱۵)، کتاب کشف المُشکِل من حدیث الصّحیحین (۳۸۲/۱)، کتاب فتح الباری تألیف ابن حجر (۹۱/۱۳).

وصف دجال بر او از این جهت است که با آن فرق او با مسیح
فرزند مریم علیها السلام مشخص گردد.



احادیث مسیح دجال ثابت می باشد

احادیثی که در مورد مسیح دجال آمده است احادیثی صحیح و متواتر می باشند، که به گونه های مختلفی روایت شده اند، و عاداتا مستحیل است که همه راویان آن بر دروغ گفتن و یا دروغ پردازی در مورد آن ها هم دست شوند-، و هر کسی که منکر این احادیث باشد هیچ دلیلی بر انکار خویش ندارد، ابن کثیر رحمه الله (ت: ۷۷۴هـ) می گوید: «اما احادیث دجال بسیار فراوان هستند، و بیشتر از آن چیزی می باشند که بتوان آنها را برشمرد؛ چرا که پراکندگی راویان آن زیاد بوده، و در کتاب های صحیح حدیثی و حسان و مسانید و غیره منتشر شده اند»^(۱).

و همچنین ایشان رحمه الله می گوید: «گروه های فراوانی از خوارج و جهمیه و بعضی از معتزله کاملاً منکر خروج دجال شده اند، و احادیث وارده در این زمینه را رد نمودند، که چیزی از این کار عاید آنها نگشت، بلکه به خاطر رد کردن احادیث صحیح و صریح از رسول الله ﷺ بدون دلیل از دایره علماء بیرون رانده شدند»^(۲).

کتّانی رحمه الله (ت: ۱۳۴۵هـ) می گوید: «در مورد احادیث خروج

(۱) تفسیر ابن کثیر (۲/۴۶۴).

(۲) کتاب البدایة والنهاية (۱۹/۱۹۳).

مسیح دجال: خیلی از علماء گفته اند که با اسناد های صحیح از جمعی از صحابه روایت شده اند، و در کتاب «التَّوْضِیح»^(۱) از شوکانی صد حدیث از این احادیث وجود دارد، که همه آنها در کتب حدیثی صحیح و در دیگر کتابهای معاجم و مسانید پراکنده می باشند، در حالیکه تواتر بدون ذکر این کتب حاصل می شود، حال اگر همه این احادیث با هم جمع گردد چه خواهد شد؟!

برخی گفته اند: اگر روایت های دجال جمع آوری گردد، چندین جلد کتاب نوشته خواهد شد، و بعضی از ائمه در مورد آن تألیفاتی جداگانه دارند.^(۲)

اگر گفته شود: چرا ذکر صریحی از مسیح دجال در قرآن نیامده است؟

ابن کثیر رحمه الله در پاسخ می گوید: «مسیح دجال به جهت تحقیر نمودن او به صراحت در قرآن ذکر نشده است، چرا که او انسانی بیش نیست و با این وجود ادعای خدایی می نماید و با بشر بودنش نیز ناقص

(۱) یعنی: کتاب «التَّوْضِیح فی تواتر ما جاء فی المَهْدِی الْمُتَنَبَّرِ والدَّجَالِ والمَسِیح»، و این کتاب هنوز در زمره کتب مخطوطات قرار دارد، یک نسخه از آن در مکتبه شیخ حمَّاد الأنصاری رحمه الله وجود دارد.

(۲) کتاب نظم المتناثر (ص ۲۲۸).

خلقت است، حالت او با بزرگی و جلالت و کبریایی پروردگار و بی نقص بودنش منافات دارد، پس اینگونه است که پرودگاراو را حقیر تر از آن می دانست که در کتاب خویش ذکر نماید، و حقیر تر و پست تر و ذلیل تر از آن چیزی است که الله متعال از آن مردم را بر حذر داشته و برای مردم در مورد او سخن بگوید.

ولی پیامبران به جای الله متعال این امر را بر دوش گرفتند، و امت های شان را از آن با خبر ساخته، و آنان را از فتنه های گمراه کننده او و امور خارق العاده ای که دوامی نخواهد داشت، بر حذر داشتند.

پس الله متعال به خبر دادن پیامبران در مورد آن اکتفاء نمود، و این امروخبر از سرور فرزندان آدم و امام متقیان به تواتر رسیده است؛ و این بهتر از آن است که قضیه ناچیزی به جلالت و پاکی قرآن بزرگ نسبت داده شود، بنابراین الله متعال بیان امر او را به پیامبران خویش سپرد.

حال اگر بگوییم: که فرعون نیز با ادعای خدایی و دروغ و تهمت هایش همانگونه که می گفت:

﴿فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى﴾

(و گفت پروردگار بزرگتر شما منم) [سورة النازعات: ۲۴].

باز هم در قرآن ذکر او آمده است.

جواب اینست که: همانا امر فرعون چیزی است که به پایان رسیده،
و دروغ او بر هر انسان مؤمن و خردمند آشکار گشته است، ولی امر دجال
در آینده رخ می دهد»^(۱).



(۱) کتاب البداية والنهاية (۱۹/۱۹۷).

مسیح دجال از نشانه های بزرگ برپایی قیامت است

قیامت دارای نشانه های بزرگ و کوچک است، که با ظهور نشانه های بزرگ، برپا خواهد شد، و از نشانه های بزرگ قیامت: مسیح دجال می باشد، و آنچه در این مورد آمده است:

۱- حُذِيفَةُ بْنُ أَسِيدٍ الْغِفَارِيُّ رضی الله عنه می گوید: «رسول الله صلی الله علیه و آله در حالی پیش ما آمده که ما با هم مذاکره می نمودیم، فرمودند: در حال مذاکره چه چیزی هستید؟

گفتند: در مورد قیامت صحبت می کنیم.

فرمودند: قیامت برپا نخواهد شد مگر اینکه قبل از آن ده نشانه و علامت را ببینید.

پس آنها را ذکر نمودند: دود، دجال، دابه (حیوانی که ظهور می کند)، طلوع نمودن خورشید از مغرب، و فرود آمدن عیسی بن مریم علیه السلام، و ظهور یاجوج و ماجوج.

و سه فرو رفتگی در زمین: یکی در مشرق، دیگری در مغرب، و یک فرو رفتگی در زمین در جزیره عربی.

و آخرین علامت آتشی است که از طرف یمن بیرون می آید و

مردم را به سوی میدان محشر سوق می دهد» (روایت مسلم)^(۱).

۲- رسول الله ﷺ فرمودند: «سه چیز هستند که با ظهور آنها

﴿لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا﴾

(کسی که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست

نیاورده ایمان آوردنش سود نمی بخشد) [سورة الأنعام: ۱۵۸].

طلوع خورشید از جهت مغرب، و ظهور دجال، دابه (حیوانی

که ظهور می کند)» روایت مسلم^(۲).

(۱) کتاب فتن وأشراط الساعة، باب نشانه هایی که قبل از قیامت خواهد بود، حدیث: (۲۹۰۱).

(۲) کتاب الإیمان، باب بیان زمانی که ایمان آوردن قبول نخواهد شد، حدیث: (۱۵۸)، از

حدیث أبی هريرة ؓ.

بر حذر داشتن از مسیح دجال

همگی پیامبران الهی امت هایشان را به خاطر فتنه و بلای شدید مسیح دجال از آن بیم داده اند. و بمانند آنان جملگی علما نیز مردمان را به خاطر خطرات او پند و بر حذر داشته اند.

همانگونه که در این مطلب ذکر خواهد شد:

۱- پیامبران امت های خویش را از دجال بر حذر می داشتند، رسول الله ﷺ فرمودند: «هیچ پیامبری نیست مگر اینکه قوم خویش را از دجال یک چشم دروغگو بر حذر داشته است، آگاه باشید که او یک چشم اش دجال کور است، و پروردگار تان این گونه کور نیست، و بین دو چشمش نوشته شده است: (ک ف ر)» (متفق علیه) و در روایت مسلم نیز آمده است: «بدانید که هرگز کسی از شما پروردگار خویش را قبل از مرگ نخواهد دید»^(۱).

ابن حجر رحمه الله (ت ۸۵۲هـ) می گوید: «گفته رسول الله ﷺ بر

(۱) روایت بخاری، کتاب جهاد، کیف چگونگی عرضه کردن اسلام بر کودک، حدیث (۳۰۵۷)، و مسلم، کتاب الفتن و نشانه های قیامت، باب ذکر ابن صیاد، حدیث (۲۹۳۱)، از حدیث ابن عمر رضی الله عنهما.

اینکه او دارای یک چشم است و خداوند اینگونه نیست) و تنها اکتفا نمودن ایشان بر این وصف با این حال که دلایل زیادی بر بشر بودن او وجود دارد؛ بر این است که یک چشمی امری قابل درک و دید است که عالم و عامی و هر که براهین عقلانی را نمی فهمد، همگان آن را درک و حس خواهند نمود.

پس اگر او ادعای خدایی بکند در حالیکه او ناقص خلقت است، والله متعال مبرا از نقص می باشد، فهمیده خواهد شد که دروغگو هست. در این حدیث اشاره بر این است که هر ادعایی که برای خدایی باشد دروغ است؛ چرا که دیدن الله متعال مقید با مرگ است، و دجال ادعا می کند که او الله است در حالیکه مردم او را می بینند^(۱).

۲- پیامبر ما محمد ﷺ امت خویش را از آن ترسانیده و فرمودند: «من شما را از آن بر حذر می دارم و هیچ پیامبری نیست مگر اینکه قوم خویش را از آن بر حذر داشته است، به راستی که نوح قوم خویش را از آن بر حذر داشت، ولی به شما چیزی می گویم که هیچ پیامبری به قوم خویش نگفته است، بدانید که دجال دارای یک چشم است، والله متعال

(۱) فتح الباری (۹۶/۱۳).

پاک و مبرا از این عیب می باشد» متفق علیه^(۱).

ابن حجر رحمه الله می گوید: «گفته شده است که: راز اینکه این وصف را فقط پیامبر صلی الله علیه وسلم تنها بیان داشته اند با اینکه دلیلی آشکار و روشن بر انکار دجال است، اینست که ؛ دجال بر خلاف امت های گذشته در امت ایشان ظهور خواهد کرد.

و حدیث خروج آن بر این امت بر این دلالت دارد که زمان و وقت ظهور او بر این امت پوشیده ماند، همانگونه که علم برپایی قیامت بر همگان پوشیده شده است»^(۲).

۳- رسول الله ﷺ از فتنه ی بزرگی خبر داده و فرمودند: «از زمان آفرینش آدم تا برپایی قیامت فتنه ای بزرگ تر از فتنه دجال نیست» (روایت مسلم)، و در روایتی دیگر نزد مسلم: «امری بزرگ تر از امر دجال نیست»^(۳).

یعنی: از روز آفرینش آدم تا برپایی قیامت فتنه ای بزرگ تر از فتنه

(۱) روایت بخاری، کتاب جهاد، باب کیف چگونگی سلام بر خردسال، رقم (۳۰۵۷)، و مسلم، کتاب فتن و أشراف قیامت، باب ذِکْر ابن صیّاد، رقم (۲۹۳۱)، از حدیث ابن عمر رضی الله عنهما.

(۲) کتاب فتح الباری (۹۶/۱۳).

(۳) کتاب فتن و أشراف قیامت، باب در باقیمانده احادیث دجال، رقم (۲۹۴۶)، از حدیث عمرّان بن حصّین رضی الله عنه.

دجال نیست، به دلیل بزرگی فتنه و بلایی که همراه دارد، و به دلیل امتحان و آزمایشی سخت و مبهم و غیر آشکار که دارد^(۱).

قاضی عیاض رحمه الله (ت ۵۴۴هـ) می گوید: «گفته رسول الله (بزرگ تر از دجال)، به دلیل بزرگ بودن فتنه او می باشد، و نه به خاطر بزرگ بودن جسمش، این واضح ترین استنباط است.

و احتمال دارد که اشاره به بزرگی جسمش داشته باشد»^(۲).

۴- رسول الله ﷺ در نماز از شر فتنه دجال پناه می جستند، عائشة رضی الله عنها می گوید: «از رسول الله ﷺ شنیدم که در نماز خویش از فتنه دجال پناه می جستند» (متفق علیه)^(۳).

۵- رسول الله ﷺ امت خویش را امر می نمودند تا از شر دجال به الله پناه بجویند، فرمودند: «از الله به الله پناه ببرید، از عذاب قبر به الله پناه ببرید، و از فتنه مسیح دجال به الله پناه ببرید، و از فتنه زندگی و مرگ به

(۱) کتاب مرقاة المفاتیح (۳۴۵۲/۸).

(۲) کتاب إكمال المعلم بفوائد مسلم (۵۰۴/۸).

(۳) روایت بخاری، کتاب أذان، باب دعاء کردن قبل از سلام، رقم (۸۳۲)، و مسلم، کتاب مساجد ومواضع نماز، باب آنچه از آن در نماز پناه بسته می شود، حدیث (۵۸۷).

الله پناه ببرید» (روایت مسلم)^(۱).

۶- علماء نیز برای آگاه ساختن مردم از امر دجال هرازگاهی پندی می دادند؛ تا اینکه از شرفتنه اش در امان باشند، سفارینی رحمه الله (ت: ۱۱۸۸هـ) می گوید: «شایسته است بر هر عالمی که احادیث دجال را در میان کودکان و زنان و مردان منتشر سازد، مخصوصا در زمان ما که فتنه ها ظاهر و بالا گرفته و آشکار گشته، و مصیبت ها فراوان شده، و سنت کم رنگ شده و از بین رفته است»^(۲).

(۱) کتاب مساجد و مواضع نماز، باب آنچه از آن در نماز پناه جسته می شود، حدیث (۵۸۸)،

از حدیث أبو هريرة رضی الله عنه.

(۲) کتاب لوامع الأنوار البهية (۱۰۶/۲).

ترس صحابه از فتنه دجال

صحابه رضوان الله علیهم اجمعین در مورد فتنه دجال همیشه با هم مذاکره می کردند، بخاطر ترس از فتنه و تا که از فتنه او در امان بمانند، همانگونه که در این مطلب ذکر خواهد شد:

۱- أبو سعید خدری رضی الله عنه می گوید: که ما نزد رسول الله صلی الله علیه و آله نوبتی می خوابیدیم؛ تا اگر برای ایشان حاجتی پیش آید، یا اتفاقی در شب بیفتند، بتوانیم کار ایشان را انجام بدهیم، از این لحاظ تعداد کسانی که شب برای این کار می ماندند زیاد بود.

پس رسول الله شبی پیش ما آمده و فرمودند: «این صحبت های محرمانه چیست که شما با هم دارید، مگر شما را از این کار منع نکرده بودم؟»

گفتیم: به سوی خدا رجوع و توبه می کنیم ای رسول خدا، ما فقط در مورد مسیح دجال صحبت می کردیم تا از شر آن در امان باشیم. فرمودند: «آیا شما را از چیزی با خبر سازم که نزد من از مسیح دجال ترسناک تر است؟» گفتیم: بلی یا رسول الله.

فرمودند: «شرک پنهان، به این معنا که شخص عبادت را برای

رضای شخصی دیگر و یا جلب توجه او انجام دهد» (روایت أحمد)^(۱).

۲- از نواس بن سمعان رضی الله عنه روایت است که: «رسول الله صلی الله علیه و آله روزی برای ما از دجال صحبت نموده، و آن را تحقیر کرده، و فتنه اش را بس بزرگ دانستند، تا جایی که ما گمان بردیم که دجال میان نخل های اطراف ما می باشد.

پس وقتی ما پیش ایشان رفتیم از چهره های ما درک کردند که ما ترسیدیم، فرمودند: شما را چه شده است؟

گفتیم: ای رسول خدا، چنان از دجال صحبت کردی که ما از ترس آن گمان بردیم که او در همین نزدیکی و در نخلستان اطراف ماست.

فرمودند: «من نیز از شر دجال بر شما می ترسم، ولی اگر ظهور کند و من در میان شما باشم، من برای او کافی هستم، و اگر ظهور کرد و من در میان شما نبودم، هر کس باید مدافع نفس خویش باشد، والله

متعال نگه دارنده و یاری کننده هر مسلمانی است» (روایت مسلم)^(۲).

(۱) مسند امام أحمد: رقم (۱۱۲۵۲).

(۲) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب ذکر صفت دجال و آنچه همراه با اوست، حدیث (۲۹۳۷).

صفت های مسیح دجال

در حدیث رسول الله ﷺ صفات مسیح دجال بیان شده اند تا انسان مؤمن از آن بر حذر باشد؛ ابو عبدالله قرطبی رحمه الله (ت: ۶۷۱هـ) می گوید: «رسول الله ﷺ آنچنان دجال را وصف نموده است که برای هیچ انسان عاقلی جای اشکالی وجود ندارد، و تمام این صفات در بدی دجال بیان شده اند، تا کسانی که فطرت سالمی دارند کاملاً آن را درک بکنند، ولی آنکس که الله متعال برای او هلاکت و نگون بختی را مقدر نموده است، به دنبال ادعاهای پوچ و دروغین دجال راه خواهد افتاد، و از پیروی حق و نور قرآن محروم خواهد گشت»^(۱)، و این صفات عبارتند از:

۱- دجال تنو مند است.

رسول الله ﷺ از تمیم داری رضی الله عنه روایت می کنند که به ایشان گفت: «به سرعت راه افتادیم تا این که وارد قصری بزرگ شدیم، که ناگه با بزرگترین انسانی روبرو شدیم که تاکنون مانند آن را ندیده بودیم» (روایت مسلم).

۲- دجال مردی با چهره قرمز رنگ است: یعنی سفیدی که در آن

(۱) کتاب التذكرة فی أحوال الموتی وأمور الآخرة (ص ۱۲۷۹).

سرخ‌ی وجود دارد.

رسول الله ﷺ فرمودند که تمیم داری گفت: «سپس رفتم که او را بینم: و او مردی با چهره سرخ و جسمی بزرگ بود» (متفق علیه).

۳- یکی از چشمانش کور است؛ گویا که چشمش مثل دانه انگور بیرون آمده است.

رسول الله ﷺ فرمودند: «چشم راست مسیح دجال کور می باشد، و همانند دانه انگور آشکار است» متفق علیه.

و در روایت مسلم: «چشم چپ دجال کور است».

ابن عبدالدائم نعیمی رحمه الله (ت: ۸۳۱هـ) می گوید: «دجال در تمام امورش مشکل دارد، سراپا عیب و نقص است، و هر دو چشم او دارای مشکل می باشد؛ یکی که بینایی اش را از دست داده است و دیگری که با بارز بودن و بیرون آمدن آن به شکل غیر طبیعی عیان و ظاهر است»^(۱).

مظهري رحمه الله می گوید (ت: ۷۲۷هـ): «اگر گفته شود: حکمت از کور بودن یک چشم او چیست؟

(۱) کتاب اللامع الصبیح بشرح الجامع الصحیح (۲۷/۱۰).

جواب اینست که: اگر به مرضی دیگر غیر از این مبتلا می شد، آنگونه که باید ظاهر و آشکار نمی گشت، و یا اینکه این خود دلیلی بر دروغ بودن و جادوی اوست، تا همه آن را به وضوح مشاهده بکنند.

اگر گفته شود: اگر کور می بود ظاهر تر و آشکار تر از کوری یک چشم بود، پس چرا کور کامل خلق نشد؟

جواب اینست که: چرا که الله متعال مقدر کرده است که او باعث گمراهی بعضی ها گردد، و اگر کور کامل می بود این کار را نمی توانست انجام بدهد»^(۱).

۴- چشمی که کور است را تکه گوشتی پوشانیده است.

رسول الله ﷺ فرمودند: «یک چشم دجال کور بوده و بر آن لایه ای بزرگی از گوشت قرار دارد» (روایت مسلم).

۵- میان دو چشمش نوشته شده است: (ک ف ر)، یعنی: کافر، هر انسان مسلمانی آن را خواهد خواند.

رسول الله ﷺ فرمودند: «دجال دارای یک چشم بوده، میان دو چشمش نوشته شده است کافر، سپس آن را حرف حرف خواندند: (ک ف ر)، و هر انسان مسلمانی آن را خواهد خواند» (روایت مسلم)

(۱) کتاب المفاتیح فی شرح المصابیح (۴۰۹/۵).

۶- موی پر پشت و زیادی دارد.

رسول الله ﷺ فرمودند: «**دجال چشم چپش کور بوده و موی سرش زیاد می باشد**» (روایت مسلم).

۷- موی سرش فرفری می باشد، یعنی به هم چسبیده و تاب خورده، در حالیکه مسیح دجال مردی قرمز رنگ است، و موی فرفری و گره خورده برای مرد قرمز رنگ مناسب نیست، و این صفت بدی برای او می باشد.

رسول الله ﷺ فرمودند: «مردی (دجال) را دیدم که **موی سرش پیچیده و فرفری بود**» (متفق علیه).

قاضی عیاض رحمه الله می گوید: مانند انسان های سیاه پوست»^(۱).

۸- دارای فرزند نخواهد شد.

رسول الله ﷺ فرمودند: «**همانا مسیح دجال دارای فرزند نخواهد شد**» (متفق علیه).

(۱) کتاب مشارق الأنوار (۱۸۳/۲).

ایراد احادیث وارده در این باب:

۱- فاطمه بنت قیس رضی الله عنه می گوید: «صدای منادی رسول الله ﷺ را شنیدم که می گفت: نماز پا بر جاست، سپس روانه مسجد شدم، پس پشت سر رسول الله ﷺ نماز را ادا نمودم، و من در صفی بودم که مستقیم بعد از صف مردان قرار داشت.

رسول الله ﷺ بعد از انتهای نماز بالای منبر رفتند - در حالیکه می خندیدند- و خطاب به مردم فرمودند: همه بر جای خویش بمانند، سپس فرمودند: آیا می دانید چرا شما را اینجا جمع نمودم؟ گفتند: خدا و رسول او آگاه تر هستند.

فرمودند: «به خدا سوگند که من شما را برای ترس و یا به خاطر اشتیاق و رغبتی شما را اینجا جمع نکردم، مگر اینکه تمیم داری مردی مسیحی بود، و پیش من آمد و اسلام خویش را اعلام نموده و با من بیعت کرد، و برای من چیزی را در مورد مسیح دجال بیان کرد که موافق با آن چیزی بود که من گفته بودم، می گوید او به همراه سی نفر از مردانی از دو قبیله لخم و جذام سوار کشتی دریایی شدند، و موج دریا به مدت یک ماه آنان را سرگردان در دریا بالا و پایین می کرد، تا این که وقت غروب خورشید نزدیک جزیره ای رسیدند، پس قایق کوچک را از کشتی

بیرون آورده و سوار بر آن وارد جزیره شدند، که با ورود به آن با حیوانی که سرا پا مو بود روبرو شدن، که از زیادی موی بدنش سر و ته آن را تشخیص نمی دادند، به او گفتند: وای بر تو، تو چه هستی؟

گفت: من جساسه هستم.

پرسیدند: جساسه چیست؟

گفت: ای قوم راه بیفتید به سوی آن مرد در قصر که برای شنیدن اخبار شما بسیار مشتاق است.

تمیم داری رضی الله عنه می گوید: زمانی که اسم از مرد برد، ترسیدم که نکند شیطانی باشد.

می گوید: به سرعت راه افتادیم، تا اینکه وارد قصر شدیم که ناگه با بزرگ ترین انسانی که تا کنون دیده بودیم رو به رو گشتیم، که سراسر وجودش با زنجیر ها بسته بود به گونه ای که دستانش به گردنش بسته شده بودند» روایت مسلم ^(۱).

۲- رسول الله ﷺ فرمودند: «دیشب در خواب دیدم که من نزد کعبه هستم، و در روایتی دیگر نزد بخاری و مسلم: «در خواب دیدم که من در حال طواف کعبه هستم:

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب قصه جَسَّاسَة، حدیث (۲۹۴۲).

که مردی سفید رنگ مایل به سبزه ای که بسیار زیبا و دلنشین بود،
 که موهایش از بنا گوش اش گذشته بود، و آن ها را رها کرده بود.
 و در روایت بخاری و مسلم آمده است که: موهایش رها شده و یک
 دست بود و از سرش آب می چکید.
 موهایش رها شده و یک دست بود و از سرش آب می چکید.
 و از سرش آب می چکید، دو دستش را بر شانه های دو مرد
 گذاشته و در حال طواف کعبه بود، پرسیدم این کیست؟
 گفتند: عیسی بن مریم.
 و مردی با موی فرفری و تاب خورده دیدم که چشم راستش کور
 بود.

و در روایتی دیگر نزد بخاری و مسلم آمده است که: سپس روی
 خویش را بر گرداندم که ناگه مردی قرمز رنگ و تنومند دیدم که از
 همه کسانی که پیش تر دیده بودم بیشتر به ابن قطن^(۱) شباهت بیشتری
 داشت، که دو دستش را بر شانه دو مرد گذاشته و در حال طواف کعبه
 بود.

(۱) ابْنِ قَطْنٍ: عبد العزّی بن قَطْن بن عمرو الجاهلی الخُزاعی است که مادرش هالة بنت خُوَیْلِد اُخت خدیجة بنت خُوَیْلِد  می باشد.

گفتم این کیست؟

(۱) گفتند: این مسیح دجال است» متفق علیه .

۳- ابن عمر رضی الله عنهما روایت می کند که: «روزی رسول الله صلی الله علیه و آله در میان ما بر خواسته و حمد و ثنای الهی را همانگونه که شایسته ذات اوست بیان کردند، سپس شروع به ذکر دجال نموده، و نزد امام بخاری: مفصلاً در مورد آن سخن رانده و فرمودند: من شما را از دجال بر حذر می دارم، چرا که هیچ پیامبری نیست مگر اینکه قوم خویش را از آن ترسانده است، به راستی که نوح قوم خویش را از شر دجال ترساند.

ولی من چیزی در مورد آن می گویم که هیچ پیامبری قبل از من آن را نگفته است، بدانید که او فقط یک چشم دارد، والله متعال از این صفت پاک و منزّه است» متفق علیه .

(۲)

۴- ابن عمر رضی الله عنهما می گوید که: نزد رسول الله صلی الله علیه و آله نام دجال به میان

(۱) روایت بخاری، کتاب احادیث انبیاء، باب قول الله: (وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَدَتْ مِنْ أَهْلِهَا)، حدیث (۳۴۴۰)، و مسلم، کتاب ایمان، باب ذکر مسیح ابن مریم، و مسیح الدجال، حدیث (۱۶۹)، از حدیث ابن عمر رضی الله عنهما.

(۲) روایت بخاری، کتاب مغازی، باب حجة الوداع، رقم (۴۴۰۲)، و مسلم، کتاب فتن نشانه های قیامت، باب ذکر ابن صیاد، حدیث (۱۶۹).

آمد، ایشان فرمودند: «الله متعال چیزی را از شما پنهان نمی دارد، الله متعال یک چشم نیست - وبا دستش به چشمش اشاره نمودند - ولی مسیح دجال چشم راستش کور بوده، و مانند دانه انگور بیرون آمده است» متفق علیه (۱).

۵- رسول الله ﷺ فرمودند: «میان دو چشم دجال نوشته شده است: (ک ف ر)، یعنی: کافر» روایت مسلم (۲).

۶- رسول الله ﷺ فرمودند: «بین دو چشمش نوشته شده است: کافر» متفق علیه (۳).

۷- رسول الله ﷺ فرمودند: «یک چشم دجال صاف است، و بر بالای آن تکه گوشت بزرگی قرار دارد، میان دو چشمش نوشته شده است:

(۱) روایت بخاری، کتاب تَّوْحِيد، باب فرموده الله متعال: (وَلِتُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي)؛ «تَغْذِي»، و (تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا)، حدیث (۷۴۰۷)، و مسلم، کتاب ایمان، باب ذکر مسیح ابن مریم، و مسیح دجال، حدیث (۱۶۹).

(۲) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب ذکر دجال و صفتش و آنچه به همراه دارد، حدیث (۲۹۳۳)، از حدیث انس بن مالک رضی الله عنه.

(۳) روایت بخاری، کتاب تَّوْحِيد، باب فرموده الله متعال: (وَلِتُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي)؛ «تَغْذِي»، و (تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا)، حدیث (۷۴۰۸)، از حدیث انس بن مالک رضی الله عنه، و مسلم، کتاب الفتن و نشانه های قیامت باب ذکر ابن صیاد، رقم (۱۶۹)، از حدیث ابن عمر رضی الله عنهما.

کافر، که هر مؤمن با سواد و بی سواد- آن را خواهد خواند-» روایت مسلم^(۱).

۸- رسول الله ﷺ فرمودند: «چشم چپ دجال کور بوده و دارای موی پیچ خورده و فرفری می باشد» روایت مسلم^(۲).

۹- ابو ساعد خدری رضی الله عنه روایت می کند: «همراه ابن صائد راهی مکه شدم، که او به من گفت: آیا مردم را نمیبینی که گمان می کنند من دجال هستم، مگر تو از رسول الله ﷺ نشیدی که می گفت: دجال دارای فرزند نخواهد شد؟

گفتم: بله.

سپس گفت: ولی من دارای فرزند هستم» روایت مسلم^(۳).



(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب ذکر دجال و صفتش و آنچه به همراه دارد، حدیث (۲۹۳۴)، از حدیث حذیفه بن الیمان رضی الله عنه.

(۲) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب ذکر دجال و صفتش و آنچه به همراه دارد، حدیث (۲۹۳۴)، من حدیث حذیفه بن الیمان رضی الله عنه.

(۳) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب ذکر ابن صیاد، حدیث (۲۹۲۷).

حقیقت مسیح دجال

مسیح دجال از فرزندان آدم است، که الله متعال به وسیله او بندگان خویش را مبتلا گردانیده و مورد آزمایش قرار خواهد داد، او را بر انجام بعضی از امور توانایی می دهد، سپس این توانایی را از او سلب خواهد نمود.

قاضی عیاض رحمه الله می گوید: «احادیث دجال که امام مسلم آنها را در کتاب صحیح خویش روایت نموده است، حجت و برهان اهل حق در راست بودن این احادیث هستند، و نیز اینکه دجال شخص معینی می باشد، که الله متعال بندگان خویش را به وسیله او مورد آزمایش قرار خواهد داد، و او را قادر به انجام بعضی از امور می گرداند، تا بدین وسیله انسان های پاک از ناپاک مشخص گردند:

از زنده کردن مرده ای که او را می کشد.

و ظاهر شدن سرسبزی و طراوت دنیا که به همراه خویش دارد.

و بهشت و دوزخ و دو رودخانه و نیز گنجهای زمین که همراه خویش دارد.

و اینکه به آسمان فرمان می دهد تا ببارد، و به زمین فرمان می دهد تا برویاند.

همه این امور به خواسته و اراده و قدرت الله متعال اتفاق خواهند افتاد، سپس الله متعال او را از انجام همه این امور عاجز خواهد نمود، همانگونه که رسول الله ﷺ فرمودند: «وبعد از آن هرگز بر چیزی دست نخواهد یافت».

پس از آن دیگر قادر به کشتن مردی که او را کشت و دوباره زنده کرد، نخواهد بود، -ونه کس دیگری غیر از او-، والله متعال این قدرت ها را از بین می برد، وعیسی بن مریم او را به قتل خواهد رساند، والله متعال مؤمنان را ثابت قدم خواهد نمود.

این همان مذهب اهل سنت و جماعت و فقهاء و اهل حدیث و امثال آنان می باشد»^(۱).



(۱) کتاب إكمال المعلم بفوائد مسلم (۴۷۴/۸).

ناتوانی مسیح دجال

مسیح دجال انسانی ضعیف است که قادر به بر طرف کردن کوری چشمش نیست، و اگر مؤمنی او را درک کرد باید از شر او به الله پناه برده که در معیت الله ضرری به او نخواهد رسید.

مظهري رحمه الله (ت: ۳۸۴هـ) می گوید همان طوری که از ابوبکر کلاباذی رحمه الله نقل می کند: «اگر یک چشمش کور نمی بود باز هم جای هیچ گونه شبه ای در مورد او نبود، لذا رسول الله ﷺ با این فرموده خویش می خواستند بگویند: که مسیح دجال انسان است، نه حیوان و یا شیطان.

و او نیز از یک حاکم و طاغوت ظالم قوت ویا شوکت بیشتری ندارد که انسان از او بترسد، همانا او انسانی است که ساختار جسمش بشری بوده و هر آنچه آنها را می آزارد، او را نیز خواهد آزد.

و همانا او دچار به بلای کوری است، که خودش توانایی و قدرت بر طرف کردن آن را ندارد.

اگر الله متعال بر او پشه ای را مسلط گرداند، او را از تمام ادعاهای باطلش باز خواهد داشت.

و اگر الله متعال یک رگ از رگهای او را به جریان در آورده و یا از

جریان باز دارد، قوتش از بین خواهد رفت، و پیریشان خاطر خواهد گشت.

و این گفته ها از رسول الله ﷺ سبب دلیری کسانیکه روزگار پادشاهی دجال را درک می نمایند که ترس شان بیشتر از ترس یک پادشاه نباشد که از زوال و نابودی پادشاهی خویش هراس دارد»^(۱).

مظهري رحمه الله می گوید: «حاصل گفته کلاباذی که می گوید: همانا دجال انسانی مانند شماست، بلکه ناتوان تر از شما؛ چرا که او دارای یک چشم بوده، و یکی چشمی، خود عیب و نقص به شمار می رود، از دو جهت می شود گفت که دجال خدا و معبود نیست:

اولی: چرا که الله باید از تمام عیوب و ناپاکی ها سالم باشد.
دومی: و اگر خدا می بود باید قادر به از بین بردن عیب خویش می بود، و این نقص را برای وجود خویش نمی پذیرفت.
سپس یک چشم بودنش: اگر از طرف خودش باشد، باید گفت که خدا دارای صفات نقص نیست.

و اگر از طرف غیر از او باشد - همانگونه آشکار است - پس باید دانست که او مخلوقی بیش نیست.

(۱) کتاب المفاتیح فی شرح المصابیح (۴۱۰/۵).

بنابراین نتیجه می توان گرفت که اوماند سائر مخلوقات ظالم و

(۱)
مستبد است» .



(۱) کتاب المفاتیح فی شرح المصابیح (۴۱۰/۵).

وضعیت کنونی مسیح دجال

در حدیث رسول الله ﷺ بیان حال مسیح دجال در این زمان آمده است، همانگونه که در مطالب آتی بیان خواهد شد:

۱- او الآن زنده می باشد.

رسول الله ﷺ به نقل از تمیم داری رضی الله عنه فرمودند: «**که مسیح دجال گفت: من خودم را برای شما معرفی می کنم، همانا من مسیح هستم و نزدیک است تا به من اجازه خروج داده شود**» روایت مسلم.

۲- او در جزیره ای از جزایر دریاست.

رسول الله ﷺ به نقل از تمیم داری رضی الله عنه فرمودند: «**می گوید او به همراه سی نفر از مردانی از دو قبیله لخم و جذام سوار کشتی دریایی شدند، و موج دریا به مدت یک ماه آنان را سرگردان در دریا بالا و پایین می کرد، تا این که وقت غروب خورشید نزدیک جزیره ای رسیدند، پس قایق کوچک را از کشتی بیرون آورده و سوار بر آن وارد جزیره شدند..**» (روایت مسلم^(۱)).

۳- با زنجیر هایی محکم و سفت بسته شده به گونه ای که:

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب قصه جَسَّاسَة، حدیث (۲۹۴۲).

الف- دستانش با زنجیر به گردنش بسته شده اند دودستش به یکدگر جمع و بسته شده و با آهن به گردنش گلاویز شده اند.

ب- از زانوها تا قوزک پا با زنجیر بسته شده است.

رسول الله ﷺ به نقل از تمیم داری فرمودند که می گوید: «به سرعت راه افتادیم، تا اینکه وارد قصر شدیم که ناگه با بزرگ ترین انسانی که تا کنون دیده بویدم رو به رو گشتیم، که سرتاسر وجودش با زنجیرها بسته بود به گونه ای که دستانش به گردنش بسته شده بودند که قوزک و زانوهایش را با آهن بسته بودند» (روایت مسلم^(۱)).

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب قصه جَسَّاسَة، حدیث (۲۹۴۲).

نشانه هایی که دلالت بر خروج دجال دارد.

احادیثی در مورد نشانه های خروج دجال آمده است، که عبارتند از:

۱- نخلستان بیسان هنگام ظهور او ثمره نمی دهد.
 ویسان: شهری در شمال فلسطین می باشد، که در قسمت جنوبی
 دریاچه طبریه و در فاصله بیست و پنج کیلومتری آن قرار گرفته، و از
 بیت المقدس صد و بیست کیلومتر دور است.
 رسول الله ﷺ به نقل از تمیم داری می گوید که «دجال گفت: مرا
 از نخلستان بیسان خبر بدهید».

گفتیم: در مورد چه چیزی از آن می پرسی؟
 گفت: آیا نخل هایش هنوز ثمر می دهد؟ گفتیم: بله.
 گفت: نزدیک است که بی ثمر گردد» روایت مسلم.
 وبه راستی که این علامت قبل از هشتصد سال پیش ظاهر و آشکار
 گشته است، یاقوت حموی رحمه الله می گوید (ت: ۶۲۶هـ): این نخلستان
 را بارها دیده ام که در آن تنها دو نخل بود که ثمر نمی دادند»^(۱).

(۱) معجم البلدان (۱/۵۲۷).

نخلستان بیسان

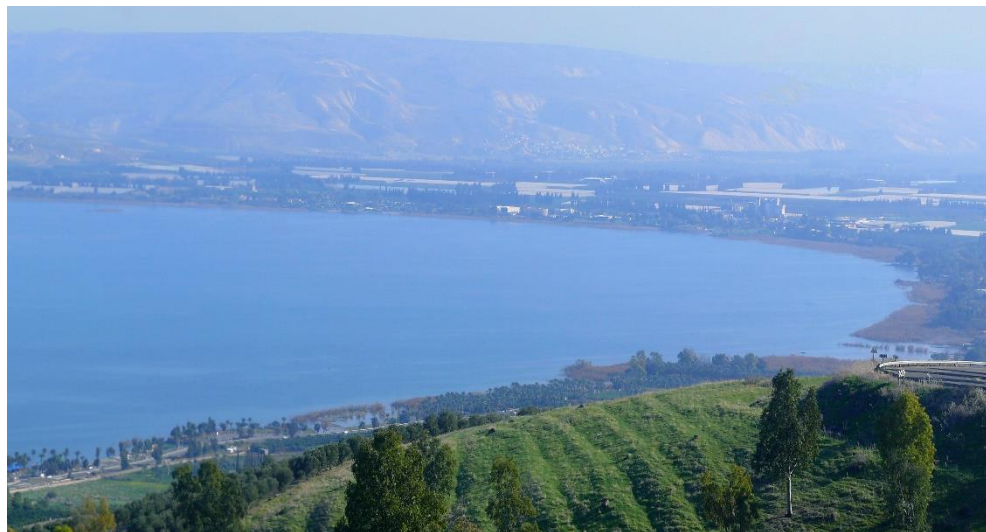


۲- خشک شدن آب دریاچه طبریه.

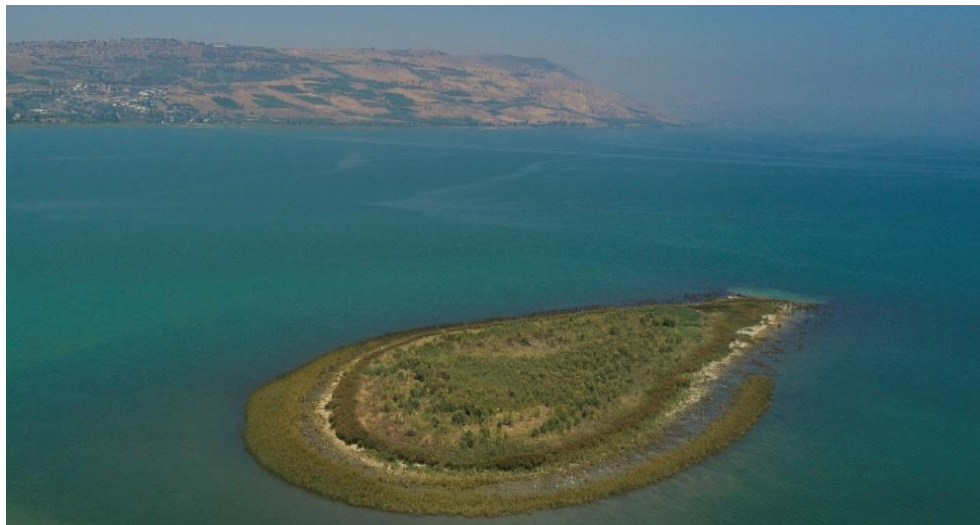
وهم اکنون آب اش کم شده و همچنان در حال کم شدن است.
 و دریاچه طبریه: در قسمت شمالی فلسطین، نزدیکی جولان، و در
 فاصله صد و پنجاه کیلومتری بیت المقدس قرار دارد، در قسمت شمالی
 بیسان، که از آن بیست و پنج کیلومتری فاصله دارد.
 رسول الله ﷺ به نقل از تمیم داری فرمودند: «**که دجال از آنها**
پرسید که مرا از دریاچه طبریه با خبر سازید.
گفتند: در مورد چه چیزی از آن می پرسی؟
گفت: آیا در آن آب هست؟ گفتیم: پر از آب است.
گفت: نزدیک است که آبش خشک گردد» (روایت مسلم).



دریاچه طبریه



خشک شدن آب دریاچه طبریه



۳- خشکیدن آب چشمه زُغَر، وساکنان آن قادر به آبیاری زمین های شان از آن نخواهند بود.

و چشمه زغر: در اردن در نزدیکی ساحل دریا در قسمت جنوب شرقی دریای میت واقع شده است، در منطقه «غور الصافی» نزدیکی انتهای رودخانه حسا، که از الکرک بیست و هفت کیلومتر از بیت المقدس هشتاد و پنج کیلومتر فاصله دارد.

رسول الله ﷺ به نقل از تمیم داری رضی الله عنه فرمودند: «**که دجال گفت:** مرا از چشمه زغر با خبر سازید،

گفتند: در مورد چه چیزی از آن تو را با خبر سازیم؟

گفت: آیا چشمه هنوز روان است؟ وساکنان آن از آب آن کشاورزی می کنند؟

گفتیم: بله، آبش فراوان است، واهالی آن نیز با آب آن کشاورزی می کنند» (روایت مسلم).

عبد الحق دهلوی رحمه الله می گوید (ت: ۱۰۵۲هـ): «زغر روستایی در سرزمین شام است، که در آن چشمه ای روان وجود دارد، که خشکیدن آبش نشانه ظهور دجال است»^(۱).

(۱) لمعات التنقیح فی شرح مشکاة المصابیح (۷۱۴/۸).

محمد بشاری رحمه الله (ت: ۳۸۰هـ) روستای زغر را اینگونه وصف کرده است: « سرزمینی کشنده برای غریبان ست، و آبی بس نا مناسب دارد، هر کس که اجلش بر او تاخیر نموده است آنجا برود، در سرزمین های اسلامی نظیر و مانند آن را نیافتم، سرزمین هایی که در آنها بیماری و وبا فراگیر شده است بسیار دیده ام، ولی نه به مانند این روستا»^(۱).

یکی از انسان های مورد اعتماد را برای سفر به این سرزمین فرستادیم، تا در مورد چشمه آن از اهالی آن بپرسد؛ و آنان نیز او را به سوی آن رهنمایی نمودند، و ایشان از آن عکس های ثابت و متحرکی تهیه نموده است، و اهالی به ایشان گفته اند: که چشمه زغر ده سال قبل سرشار از آب بوده است، که آنان از این آب زمین های کشاورزی خویش را آبیاری می نمودند،

و روی آب دهی اعتماد می کردند اما الآن سال (۱۴۴۳هـ) آبش بسیار کم شده است، و اهالی روستا آن را (چشمه عباطه) می نامند»^(۲).

(۱) أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم (ص ۱۷۸).

(۲) گزارش آن نزد ما با صدا و تصویر موجود است.



خشکیدن آب چشمه زُغَر، وساکنان آن قادر به آبیاری زمین های
شان از آن نخواهند بود.



بیان احادیثی که در این مورد ذکر شده اند:

رسول الله ﷺ به نقل از تمیم داری می گوید رضی الله عنه: «سپس به سرعت راه افتادیم تا اینکه وارد قصر بزرگی شدیم، که ناگه انسانی را دیدیم که در طول زندگی خویش هرگز بزرگتر از آن را ندیده بودیم، که محکم با زنجیر بسته شده بود، و دستانش بر گردنش با زنجیر محکم بسته بود، همچنین از زانوها تا قوزک پا سراسر زنجیر بود.

گفتم: وای بر تو، که هستی؟

گفت: شما از من باخبر گشتید، پس شما نیز خودتان را برای من معرفی نموده و بگویید شما چه کسانی هستید؟

گفتند: ما مردمانی از سرزمین عرب هستیم، که سوار کشتی دریایی شدیم، که ناگه دریا موج بر آورد و کشتی به مدت یک ماه بر بالای امواج سرگردان بود.

سپس ما را به نزدیکی جزیره تو رساند، پس ما نیز سوار قایق گشته و وارد جزیره شدیم، که در ورودی آن حیوانی پشم آلو دیدیم، و در روایتی دیگر آمده است که: انسانی دیدیم که مویش را به دنبال خویش می کشید، به گونه ای که عقب و جلوی آن برای ما مشخص نبود.

پس به او گفتم: وای بر تو کیستی؟

(۱) گفت: من جساسه^(۱) هستم.

گفتیم: جساسه چیست؟

گفت: پیش این مرد در داخل قصر بروید که برای شنیدن خبر شما بسیار مشتاق است.

پس از ترس آن به سرعت به سمت و سوی تو راه افتادیم، هراس داشتیم که این موجود شیطانی باشد.

سپس دجال گفت: مرا از نخلستان بیسان با خبر سازید.

گفتیم: از چه چیز آن می پرسى؟

گفت: در مورد نخلستان آن می پرسم: آیا هنوز ثمره می دهد؟
گفتیم: بله.

گفت: ولی نزدیک است که دیگر ثمره ندهد.

گفت: مرا از دریاچه طبریه با خبر سازید.

گفتیم: از چه چیز آن می پرسى؟

گفت: آیا هنوز آب دارد؟

گفتیم: بله.

گفت: نزدیک است که آبش بخشکد.

(۱) جساسه: سبب نامگذاری آن این است که او برای دجال تجسس کرده و خبر می آورد.

گفت: مرا از چشمه زغر با خبر سازید.

گفتیم: از چه چیز آن می پرسى؟

گفت: آیا چشمه هنوز آب دارد؟ و اهالى آن با آب آن کشاورزى

مى کنند؟

گفتیم: بله، آبش زیاد است، و اهالى آن با آب آن کشاورزى مى

کنند» رواه مسلم^(۱).

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب قصة جَسَّاسَة، حدیث (۲۹۴۲)، من حدیث فاطمة بنت قیس رضی الله عنها.

مسیح دجال چه زمانی ظهور خواهد کرد؟

مسیح دجال در مورد خویش خبر داده است که به زودی ظهور خواهد کرد، و رسول الله ﷺ آن را تایید نمودند، همانگونه که ایشان به نقل از تمیم داری رضی الله عنه می گویند: «همانا من مسیح دجال هستم، شما را از این امر با خبر می سازم، و نزدیک است که به من اجازه داده ظهور داده شود» (روایت مسلم^(۱)).

واژ نشانه های خروج مسیح دجال: فتح شدن قسطنطنیه بدون جنگ و خونریزی می باشد^(۲)

چرا که مسلمانان چندین بار برای فتح کردن آن جنگیدند، و اولین جنگ در زمان معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنه در سال (۴۹ هجری) رخ داد،

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب قصة جَسَّاسَة، حدیث (۲۹۴۲)، از حدیث فاطمة بنت قیس رضی الله عنها.

(۲) القُسْطَنْطِیْنِیَّة: امروزه استامبول نام دارد.

این شهر را استانبول فرزند تیماوس پایه ریزی نموده که قبل از اتمام آن وفات نمود، سپس بنای آنرا فرزندش قسطنطین کامل نمود؛ لذا یک نام آن «استامبول» و نام دیگر آن «قسطنطین» که همان مؤسس روم می باشد، نام دارد.

و محمد فاتح بعد از فتح آن را «اسلامبول» یعنی: شهر سلام: نامید.

و در سال (۱۳۵۰هـ) دوباره نامش به «استامبول» تغییر یافت.

ولی این جنگ به فتح آن نینجامید.

ولی بعد از آن دو بار فتح گردید:

دفعه اول آن را محمد بن مراد بن محمد رحمه الله که ملقب له «محمد فاتح» بود در سال (ت: ۸۵۷ هجری) فتح کرد، و این فتح نشانه ظهور دجال نیست چرا که همراه با جنگ بود.

ملا علی قاری رحمه الله (ت: ۱۰۱۴هـ): می گوید: «قسطنطینیة با

جنگ و خونریزی زیاد فتح خواهد شد»^(۱).

و دفعه دوم: در آخر زمان با تهلیل (گفتن لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) و تکبیر گفتن و بدون جنگ و خونریزی فتح خواهد شد، همانگونه که احادیث رسول الله ﷺ بر این امر دلالت دارند:

۱- رسول الله ﷺ فرمودند: «از شهری شنیده اید که یک قسمت از

آن داخل آب و دیگری داخل خشکی می باشد؟

گفتند: بله ای رسول خدا.

فرمودند:

قیامت بر پا نخواهد شد تا این که هفتاد هزار نفر از فرزندان اسحاق

مسلمانان به جنگ آن می روند.

(۱) مرقاة المفاتیح (۳۴۱۶/۸).

با نزدیک شدن به آن و بدون هیچگونه جنگ و تیر اندازی، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، سر دادن وارد آن خواهند شد، که با آن یک سمت شهر سقوط خواهد کرد، راوی حدیث می گوید: گمان می کنم که أبو هریره رضی الله عنه گفت: قسمی که سمت دریا است سقوط خواهد کرد. سپس بار دوم لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ سر می دهند و این بار سمت دیگر آن سقوط می کند.

سپس سومین بار: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ سر خواهند داد که این بار با باز گشایی شهر وارد آن خواهند شد و اینگونه آن را به تصرف خویش در خواهند آورد.

در حالیکه آنان در حال تقسیم غنیمت های جنگی هستند، که ناگه ندایی بر می آید که : مسیح دجال خروج کرد، با شنیدن این سخن مسلمانان همه چیز را ترک نموده و باز می گردند» روایت مسلم ^(۱).

۲- رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مسلمانان قسطنطنیه را فتح نموده؛ سپس آنان، شمشیرهایشان را به درختان زیتون، آویزان می کنند و مشغول

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب: قیامت بر پا نخواهد شد تا اینکه شخص بر قبر شخصی دیگری عبور کند، و به جای او از شدت بلا و فتنه ها تمنای مرگ نماید، حدیث (۲۹۲۰)، از حدیث أبي هريرة رضی الله عنه.

تقسیم غنائم می شوند که شیطان میان آنها فریاد می زند: دجال به خانواده های شما حمله کرده است. آنها با شنیدن این سخن، حرکت می کنند؛ حال آنکه این، سخن دروغی بیش نیست و با رسیدن مسلمانان به سرزمین شام دجال ظهور خواهد کرد»^(۱) رواه مسلم .

ابن کثیر رحمه الله می گوید: «به دجال در آخر زمان بعد از فتح شهر رومیان که همان «قسطنطنیه» می باشد، اجازه خروج داده خواهد شد»^(۲) .



(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب فتح قسطنطنیه، و خروج دجال، و نزول کردن عیسی

ابن مریم، حدیث (۲۸۹۷)، از حدیث أبی هريرة رضی الله عنه.

(۲) کتاب البداية والنهاية (۲۰۵/۱۹).

سبب خروج مسیح دجال

الله متعال برای هر چیزی سببی قرار داده است، و سبب خروج مسیح دجال نیز به علت خشم و غضب اوست، نافع رضی الله عنه می گوید: «ابن عمر رضی الله عنهما در یکی از راه های مدینه با ابن صائد رو به رو شده و خطاب به او سخنی گفت، که با آن ابن صائد خشمگین شده و جسمش از خشم چنان بزرگ شد، که تمام راه را گرفت، ابن عمر پیش حفصه رضی الله عنها آمده و ایشان از آن رخداد با خبر شده بود، ایشان رضی الله عنهما فرمود: خدا بر تو رحم بکند، از ابن صائد چه می خواستی؟ مگر نمی دانی که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «دجال به علت خشم و غضبی که او را فرا می گیرد ظهور خواهد کرد»^(۱) روایت مسلم ^(۱).

صنعانی رحمه الله (ت: ۱۱۸۲هـ) می گوید: سببش را ذکر نکرد، و منظور این است: که الله متعال هرگاه خروجش را مقدر بکند سبب خشمش را فراهم خواهد نمود ^(۲).

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب ذکر ابن صیاد، حدیث (۲۹۳۲).

(۲) کتاب التنویر شرح الجامع الصغیر (۲۰۵/۴).

مکان خروج مسیح دجال

در حدیث نبوی مکان خروج مسیح دجال آمده است، همانگونه که

بیان خواهد شد:

۱- همانا دجال از مشرق زمین ظهور خواهد کرد، یعنی از جهت شرق مدینه منوره.

رسول الله ﷺ فرمودند: «همانا دجال در دریای متوسط است، و یا در دریای یمن، و اضافه بر آن از جهت مشرق نیز خواهد آمد» روایت مسلم^(۱).

۲- أبو عبد الله محمد قرطبی رحمه الله می گوید: «این شک و یا گمانی است از رسول الله ﷺ، یا اینکه می خواست این این ابهام را برای شنونده بیان نماید، سپس همه این ها را نفی نموده و با یقین کامل فرمودند: از جهت مشرق زمین ظهور خواهد کرد»^(۲).





۳- از سرزمین خراسان ظهور می کند.

و خراسان: اقلیم پهناور است که شامل: جنوب دریای قزوین،

و غرب آن، و شرق تا انتهای جنوب شرق می شود^(۱).

أبو بکر صدیق رضی الله عنه می گوید: «رسول الله صلی الله علیه و آله به ما گفتند که دجال

از سرزمینی در مشرق که به آن خراسان گفته می شود، ظهور می نماید

که به دنبالش اقوامی راه خواهند افتاد که گویا چهره هاشان دایره گون

بمانند سپر جنگی است» (روایت أحمد^(۲)).

(۱) حُدُودُ خُرَاسَانَ: از جهت شمال: با دریای قَزْوِین و رود خانهِ جِیحُون، و از جنوب: با کِرْمَانَ، و از شرق: با کَابُل، و از غرب: با جُونقان همسایه است.

(۲) مسند امام احمد، حدیث (۱۲).



۴- از یهودیان اصفهان هفتاد هزار نفر به دنبال او راه خواهند افتاد، که بر سرشان طیلسان انداخته اند.

واصفهان شهری در قسمت جنوبی تهران و در فاصله (۴۵۰) کیلومتری آن قرار دارد.

وطیلسان نوعی از شال است که یهودیان با آن سر و یا شانه های خویش را می پوشانند.

رسول الله ﷺ فرمودند: «هفتاد هزار نفر از یهودیان اصفهان به دنبال دجال راه خواهند افتاد، که بر سر خویش طیالسه انداخته اند» (روایت مسلم^(۱)).

ابن کثیر رحمه الله می گوید: «ابتدای ظهورش از اصفهان در محله ای که آن را محله «یهودیان» می نامند، خواهد بود، که از این محله هفتاد هزار یهودی به یاری و نصرت او که همراه با سلاح وسیجان- طیالسه سبز رنگ- خواهد آمد، و همچنین هفتاد هزار از تاتار به یاری او خواهند آمد، و مردمانی از خراسان زمین»^(۲).

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب: بقیه احادیث دجال، حدیث (۲۹۴۴)، از حدیث انس بن مالک رضی الله عنه.

(۲) کتاب البدایة والنهاية (۲۰۵/۱۹).





طیلسان

۵-زمانیکه که دجال خروج نمود تمامی همت اش را برای ورود به شهر مدینه می گذارد.

رسول الله ﷺ فرمودند: «**مسیح دجال از جهت مشرق زمین می آید و اولین هدف و مقصد او مدینه منوره می باشد**» روایت مسلم^(۱).
و علت اینکه اول مقصد او مدینه می باشد؛ این است که ایمان در آخر زمان به مدینه بر خواهد گشت، همانگونه که رسول الله ﷺ فرمودند: «**همانا ایمان به مدینه بر خواهد گشت همانگونه که مار به لانه خویش بر می گردد**» متفق علیه^(۲).

۶-دجال از راهی ما بین شام و عراق روانه مدینه می گردد.
رسول الله ﷺ فرمودند: «**همانا دجال از راهی بین شام و عراق روانه مدینه می گردد**» (روایت مسلم^(۳)).

(۱) کتاب حج، باب: محفوظ ماندن مدینه از دخول طاعون و دجال در آن، حدیث (۱۳۸۰)، از حدیث ابی هریره رضی الله عنه.

(۲) روایت بخاری، کتاب فضائل مدینه، باب: ایمان به مدینه باز خواهد گشت، حدیث (۱۸۷۶)، و مسلم، کتاب ایمان، باب: بیان اینکه اسلام در آخر زمان مانند شروع آن غریب خواهد بود، رقم (۱۴۷)، از حدیث ابی هریره رضی الله عنه.

(۳) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب: ذکر دجال و صفت آن و چیزهایی که به همراه دارد، حدیث (۲۹۳۷)، من حدیث الثَّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ رضی الله عنه.

أبو العباس احمد قرطبی (ت: ۶۵۶هـ) می گوید: «ابتدای خروج دجال از خراسان خواهد بود، سپس از آنجا از راهی که بین عراق و شام قرار دارد، روانه حجاز خواهد شد»^(۱).

(۱) کتاب المفهم لما أشکل من تلخیص کتاب مسلم (۱۱۶/۲۳).



حال مردم هنگام ظهور مسیح دجال

در احادیث نبوی حالت مردم به هنگام ظهور کردن مسیح دجال بیان شده است، همانگونه که در اکنون ذکر خواهد گردید:

۱- همانا مردم از ترس او به سوی کوه ها فرار می کنند.

رسول الله ﷺ فرمودند: «**با ظهور دجال مردم به سوی کوه ها فرار خواهند کرد**» روایت مسلم.

۲- در این هنگام مسلمانان مشغول جنگ با رومیان خواهند بود، که بر آنان چیره گشته و پیروز خواهند شد، که بعد از آن از ظهور دجال با خبر می گردند، پس در این لحظه هر آنچه از غنیمت ها و اموالی که از جنگ به دست آورده بودند را انداخته و با سرا سیمگی به سوی خانه و فرزندان خویش بر می گردند، تا خبر دجال را از خانواده هایشان مطلع شوند.

ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: «که آنان در همین حالت خواهند بود که سختی بدتر از این سراغ شان خواهد آمد و ناگه صدایی بر می خیزد که دجال در میان فرزندان شماست.

پس هر آنچه در دست دارند را دور انداخته و روانه دجال گشته و ده نفر از سوار کاران را به سرعت و قبل از رسیدن خویش به سوی او

روانه می کنند» روایت مسلم.

۳- با رسیدن به مدینه -ورودی مدینه- مرد مؤمنی پیش او خواهد آمده و به او می گوید: گواهی می دهم که تو دجال هستی.

رسول الله ﷺ فرمودند: « در این هنگام مرد مؤمنی پیش او خواهد

آمد که او -بهترین مردم- و یا -از بهترین مردم- است، و به او می گوید: من گواهی می دهم که تو دجال هستی» متفق علیه.

بیان احادیث وارد شده و در این باب:

۱- ام شریک رضی الله عنه روایت می کند که: «او از رسول الله صلی الله علیه و آله شنید که می گوید: مردم از ترس دجال به کوه ها پناه می برند.

ام شریک گفت: ای رسول خدا پس در این هنگام عرب ها کجا خواهند بود؟ فرمودند: در این هنگام تعداد آنها کم خواهد بود» (روایت مسلم^(۱)).

۲- یسیر بن جابر از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت می کند که گفت: «همانا قیامت بر پا نخواهد شد تا آن هنگام که میراث ها جایی برای تقسیم نداشته باشند و با به دست آوردن غنیمت ها کسی خوشحال نگردد.

سپس با دست خویش به سوی سرزمین شام اشاره کرده و گفت: دشمنانی بر علیه اسلام گرد خواهند آمد، و مسلمانان نیز بر علیه آنان گرد هم می آیند.

گفتم: منظور شما رومیان هستند؟

گفتند: بله، و در این زمان و در این جنگ یک سرگردانی شدیدی رخ خواهد داد».

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب فی بقیة احادیث دجال، حدیث (۲۹۴۵).

در این هنگام مسلمانان گروهی را برای مرگ پیش قدم خواهند کرد که نباید بر گردند مگر اینکه پیروز شده باشند، پس شروع به جنگ خواهند کرد که فقط شب با رسیدن خویش مانع آنان از قتال خواهد شد، و همگی به جای خویش بر می گردند بدون اینکه کسی از آنان پیروز و غالب گردد، و آن گروه پیش قدم نیز همگی کشته خواهند شد.

سپس دوباره مسلمانان گروهی را برای مرگ پیش قدم خواهند کرد که نباید بر گردند مگر اینکه پیروز شده باشند، پس شروع به جنگ خواهند کرد که فقط شب با رسیدن خویش مانع آنان از قتال خواهد شد، و همگی به جای خویش بر می گردند بدون اینکه کسی از آنان پیروز و غالب گردد، و آن گروه پیش قدم نیز همگی کشته خواهند شد.

در روز چهارم؛ بقیه مسلمانان به سوی آنان خواهند آمد، که الله متعال این بار الله متعال شکست را نصیب آنان خواهد کرد، چنان کشته می شوند- یا این که گفت: چنان قتل و کشتاری به پا خواهد خواست که مانند آن دیده نشده است، و یا این که گفت: مانند آن دیده نخواهد شد-، به گونه ای که پرنده گان از کنار آنان عبور خواهند می کند، از ترس آن از آسمان به پایین می افتند، پس فرزندان یک پدر که صد نفر بودند شروع به شمارش می کنند که تنها از صد نفر یک نفر

زنده می ماند، پس با کدامین غنیمت خوشحال گشته، و کدامین میراث را تقسیم بکنند؟

و آنان در این حالت خواهند بود که ناگه سختی بس بدتری به گوش آنان خواهد رسید، با صدای بلندی فریاد بر خواهد آمد که: دجال در بین فرزندان شماست.

در این هنگام هر آنچه در دست دارند دور انداخته، و ده نفر از سوار کاران جنگی را با سرعت می فرستند.

رسول الله ﷺ فرمودند: «همانا من نام های آنان و نام هایی پدران شان و رنگ اسب های شان را می دانم.

آنان بهترین و برترین جنگ جویان بر روی زمین خواهند بود، - یا اینکه فرمودند: از بهترین و برترین سوار کاران خواهند بود» (روایت مسلم^(۱)).

و سخن رسول الله ﷺ که فرمودند: «همانا من نام های آنان و نام های پدران شان و رنگ اسب های شان را می دانم....»، و کلام دیگر

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب پیشروی رومیان برای قتل و غارت و خونریزی، حدیث (۲۸۹۹).

ایشان علیه السلام که فرمودند: «در این هنگام که آنان غنیمت ها را تقسیم می کنند و شمشیر های خویش را بر درخت زیتون آویزان می نمایند»^(۱)؛ دلالت بر این دارد که جنگ در آخر زمان با شمشیر و سوار بر اسب ها خواهد بود.

و آیا این جنگ فقط با همین دو خواهد بود و یا با وسایل جنگی پیشرفته امروزی، کسی از آن به جز خدا آگاه نیست.

سپس دوباره مسلمانان گروهی دیگر را پیش قدم خواهند کرد، که نباید به جز پیرزی بر گردند، پس جنگ شروع خواهد شد که این بار تا عصر گاه به طول خواهد انجامید، و باز هم همگان به جای خویش باز خواهند گشت بدون آنکه کسی پیروز میدان باشد، و گروه جان فدا نیز کشته خواهند شد.

۳- رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «دجال ظهور خواهد کرد، پس در این هنگام مردی از مومنان پیش او خواهد رفت، که با سلاح داران دجال روبرو خواهد شد، که به او می گویند: به کدامین سو می روی؟ می گوید: به سوی همین کسی که ظهور کرده است می روم.

(۱) به صفحه ۵۱ مراجعه شود.

به او خواهند گفت: تو به پروردگار ما ایمان نداری؟

می گوید: پروردگار ما هیچ پوشیدگی ندارد.

می گویند: او را بکشید.

که در این هنگام به همدیگر خواهند گفت: مگر پروردگار شما

منع نکرده است که کسی بدون اجازه او کشته نشود؟

در این هنگام او را پیش دجال خواهند برد، شخص مومن به دجال

می گوید: ای مردم این همان دجالی است که رسول الله ﷺ در مورد آن

خبر داده بود.

دجال دستور می دهد تا او را بر شکم بخوابانند.

وسپس می گوید: او را گرفته و بر شکم بخوابانید، و او را مورد

ضرب و شتم شدید قرار دهید.

دجال به او می گوید: آیا هنوز به من ایمان نداری؟

در پاسخ می گوید: تو مسیح دجال دروغگو هستی.

در این هنگام دجال دستور می دهد تا با اره او را از وسط نصف

بکنند، که بدین گونه بدن او به دو قسمت تقسیم گشته و دو قسمت جدا

شده بدن او راه رفته و دستور می دهد که دوباره به هم بچسبند، و با دستور

او دوباره شخص به حالت اول خویش برگشته و می ایستد.

سپس دوباره دجال خواهد گفت: هنوز به من ایمان نداری؟

می گوید: با این کار تو من بیشتر به گفته خویش و وجود تو یقین پیدا کردم، سپس می گوید: ای مردم بعد از من نمی تواند این کار را با کسی دیگر انجام دهد.

دوباره دجال او را گفته تا ذبح کند و بکشد، و ما بین گردن تا گلوگاهش را پر از سرب خواهد کرد، ولی باز هم توانایی کشتن او را نخواهد داشت.

سپس دست و پای او را گرفته و به گمان مردم داخل آتش پرتاب می کند ولی در حقیقت او را داخل بهشت انداخته است.

سپس رسول الله ﷺ فرمودند: « این بالاترین گواهی نزد پروردگار جهانیان است » (روایت مسلم^(۱)).

۴- رسول الله ﷺ فرمودند: « دجال نزد شوره زار های مدینه توقف خواهد کرد، که در این هنگام بهترین مردم و یا یکی از بهترین مردم به

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب: صفت دجال، و تحریم مدینه بر او علیه کشتن شخص مؤمن و زنده کردن او، حدیث (۲۹۳۸)، از حدیث ابی سعید الخدری رضی الله عنه.

سوی او روانه خواهد شد، و به او خواهد گفت: که من گواهی می دهم که تو همان دجالی هستی که رسول الله ﷺ از آن خبر داده است.

دجال می گوید: «آیا اگر من این مرد را کشته و دوباره زنده گردانم شما در وجود من شک می کنید؟»

می گویند: نه، پس او را کشته و دوباره زنده می گرداند.

شخص مؤمن با دوباره زنده شدن می گوید: به خدا سوگند که من قبل از این در مورد تو این قدر یقین نداشتم که با این کار تو یقین پیدا کردم.

دجال دوباره اراده کشتن او را می کند که هرگز نخواهد توانست»

(۱) متفق علیه .



(۱) روایت بخاری، کتاب فتن، باب: دجال وارد مدینه نخواهد شد، حدیث (۷۱۳۲)، و مسلم، کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب: صفت دجال و تحریم مدینه بر او علیه کشتن شخص مؤمن و زنده کردن او، حدیث (۲۹۳۸)، از حدیث ابی سعید الخُدَریؓ.

سرعت راه رفتن مسیح دجال

راه رفتن مسیح دجال بسیار سریع است، رسول الله ﷺ راه رفتن او را به حرکت ابرها به وسیله باد تشبیه نموده است.

۱- نواس بن سمعان رضی الله عنه روایت می کند که ما به رسول الله ﷺ گفتیم: «سرعت راه رفتن او بر زمین چگونه می باشد؟ فرمودند: **مانند ابرهایی که باد آنها را به حرکت در آورده است**» (روایت مسلم ^(۱)).

۲- با سرعت بالایی که بر زمین دارد: هیچ روستایی بر زمین نیست مگر اینکه در طی چهل روز بر آن گذر خواهد کرد، غیر از مدینه و مکه، چرا که داخل شدن به هر دوی آن بر او حرام است.

رسول الله ﷺ به نقل از تمیم داری می گوید که دجال گفت: «**من شما را از خویشتن با خبر می سازم؛ من مسیح دجال هستم.**

و نزدیک است که به من اجازه ظهور داده شود، بعد از آن من از مکان خویش خارج گشته و در زمین شروع به حرکت می کنم، و هیچ روستایی نیست مگر اینکه بر آن گذر خواهم کرد غیر از مکه و مدینه، چرا که ورود به این دو بر من حرام است.

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب ذکر دجال و صفت و آنچه به همراه دارد، حدیث (۲۹۳۷).

هرگاه اراده دخول به آن دو را بکنم فرشته ای با شمشیر از غلاف کشیده مرا استقبال خواهد کرد، و مرا باز خواهد داشت، و بر هر ورودی آن فرشتگانی برای نگهبانی گماشته شده اند» روایت مسلم^(۱).

ابن کثیر رحمه الله می گوید: « دجال نزدیک می گردد و شهر به شهر، قلعه به قلعه، سرزمین به سرزمین و ناحیه به ناحیه، هیچ شهری از شهرها نمی ماند، مگرد و شهر مکه و مدینه که با اسب و پاهایش در آن وارد می شود »^(۳).



(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب قصة جَسَّاسَة، حدیث (۲۹۴۲)، از حدیث فاطمة بنت

مسیح دجال وارد مکه و مدینه نمی شود

دجال به تمام نقاط بر روی زمین رفته و داخل تمامی شهرها می شود، مگر دو شهر مکه و مدینه زیرا که این دو شهر از شهرهای مهم و بلند مرتبه ای است که الله متعال ورود او را به آن دو شهر حرام نموده است.

بیان احادیثی که در این مورد آمده است:

۱- پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هیچ شهر نیست مگر آنکه دجال در آن وارد می شود، به جز مکه و مدینه، و هیچ راه و دروازه ای در این دو شهر نیست مگر آنکه فرشتگانی معین و برگزیده بر آن گمارده شده است که از ورود دجال به آن مراقبت می نمایند». (متفق علیه)

۲- پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «شهر مدینه توسط فرشتگان سرتاسر در بر گرفته شده است، و بر هر راه و دروازه ای از آن دو فرشته هستند که از آن حفاظت می نمایند، و در آن نه طاعون و نه دجال وارد می شوند. و هر کس که اراده ی بدی به آن داشته باشد، الله متعال او را ذوب می کند، همانگونه که نمک در آب ذوب می شود». (به روایت احمد).

۳- پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بر دروازه ها و راه های

ورودی به مدینه فرشتگانی هستند، و در این شهر نه طاعون و نه دجال
وارد می شوند». (متفق علیه السلام)

ترس و وحشت مسیح دجال وارد مدینه نخواهد شد

از فضل الهیست بر مؤمنان ساکن مدینه که با خروج دجال هیچ
 ترس و وحشتی آنان را فرا نخواهد گرفت، أبو بکره رضی الله عنه روایت می کند
 که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «ترس و وحشت مسیح دجال وارد مدینه
 نخواهد شد، مدینه در آن هنگام دارای هفت دروازه خواهد بود، که بر
 هر دروازه ای دو فرشته برای نگهبانی گماشته شده است» روایت
 بخاری ^(۱).

با رسیدن او به جرف - ناحیه ای از شهر - مدینه سه بار خواهد لرزید
 که با آن هر کافر و منافقی که در مدینه هست به خارج آن رانده خواهند
 شد

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «در شوره زار اتراق خواهد کرد،
 و در روایت مسلم آمده است: در شوره زار جرف اتراق خواهد کرد،
 سپس مدینه سه بار به لرزه در خواهد آمد که در نتیجه آن هر کافر و
 منافقی در آن هست بیرون رانده خواهد شد» (متفق علیه) ^(۲).

ابن حجر رحمه الله می گوید: «فرموده رسول الله صلی الله علیه و آله که «مدینه به

(۱) کتاب فضائل مدینه، باب: مدینه نخواهد شد، حدیث (۱۸۷۹).

لرزه خواهد افتاد» یعنی: سه لرزه پشت سر هم اتفاق خواهد افتاد، که با آن با آن هر آنکس که در ایمانش مخلص نباشد بیرون رانده خواهد شد، و تنها در آن مؤمنان مخلص باقی خواهند ماند که دجال هرگز بر آنان چیره نخواهد شد.

و این با حدیث ابو بکره که می فرمود: «ترس و وحشت مسیح دجال وارد مدینه نخواهد شد» هیچ تعارضی ندارد؛ چرا که مراد از ترس در اینجا: آن چیزی است که از ترس خود دجال و جبروت او رخ خواهد داد، نه لرزشی که با آن انسان های غیر مخلص بیرون رانده می شوند»^(۱).
کورانی (ت: ۸۹۳هـ) رحمه الله می گوید: «اگر بگویی: که ترس و وحشت دجال وارد مدینه نمی شود پس چگونه کافران و منافقان از آن بیرون خواهند رفت؟

می گویم که: آن کسانی که بیرون می روند از ترس زلزله است، و برای به دست آوردن خیرات و بهشتی که نزد دجال می باشد»^(۲).



(۱) کتاب فتح الباری (۹۶/۴).

(۲) کتاب الکوثر الجاری إلی ریاض أحادیث البخاری (۴۷/۱۱).

مکانی که مسیح دجال در اطراف مدینه برای اتراق انتخاب خواهد کرد

مسیح دجال با ظهور خویش نیت و اراده رفتن به مدینه را خواهد کرد، ولی توانایی دخول آن و مکه را نخواهد داشت، در حالیکه وارد تمامی شهرها خواهد شد، رسول الله ﷺ فرمودند: «هیچ سرزمینی نیست مگر اینکه دجال وارد آن خواهد شد، مگر مکه و مدینه» متفق علیه^(۱).

سپس در گوشه ای از مدینه خارج حدود حرم توقف خواهد کرد، در جایی به نام شوره زار جرف پشت کوه احد، سپس از آنجا فرشتگان او را به سمت شام بر می گردانند که در نتیجه در آنجا به هلاکت خواهد رسید.

و در احادیث وصف مکانی که دجال در مدینه برای اتراق خویش انتخاب خواهد کرد آمده است:

۱- در گوشه ای از مدینه خیمه خواهد زد:

(۱) رواه البخاری، کتاب فضائل المدینه، باب لا یدخل الدجال المدینه، رقم (۱۸۸۱)، و مسلم، کتاب الفتن وأشرار الساعة، باب قصة الجساسة، رقم (۲۹۴۳)، من حدیث أنس بن مالک رضی الله عنه.

رسول الله ﷺ فرمودند: «تا اینکه در ناحیه ای از مدینه فرود آید»
روایت بخاری.

۲- در پشت کوه احد جای می گزیند:

و کوه احد: در قسمت شمالی مدینه، و در چهار کیلومتری مسجد
نبوی قرار دارد.

رسول الله ﷺ فرمودند: «و پشت کوه احد توقف خواهد کرد»
روایت مسلم.

۳- در شوره زار جرف خیمه خواهد زد:

شوره زار: زمینی است که بر اثر شوری در آن هیچ چیزی
نمی روید.

رسول الله ﷺ فرمودند: «سپس به شوره زار جرف خواهد رسید»
روایت مسلم.

۴- سپس فرشتگان او را به سمت شام بر خواهند گرداند.

رسول الله ﷺ فرمودند: «سپس فرشتگان او را به سمت شام بر
خواهند گرداند که در آنجا به هلاکت خواهد رسید» روایت مسلم.





ایراد احادیثی که در این زمینه آمده است:

۱- رسول الله ﷺ فرمودند: «دجال در ناحیه ای از مدینه اتراق خواهد کرد، سپس مدینه سه بار به لرزه خواهد افتاد که با آن هر کافر و منافقی که در مدینه باشد، بیرون رانده خواهد شد» رواه البخاری^(۱).

۲- رسول الله ﷺ فرمودند: «مسیح دجال از جهت مشرق زمین خواهد آمد، و اراده رسیدن به مدینه را دارد، تا اینکه در نزدیکی کوه احد فرود خواهد آمد، سپس فرشتگان او را به سوی سرزمین شام خواهند راند، که در آنجا هلاک خواهد شد» رواه مسلم^(۲).

۳- رسول الله ﷺ فرمودند: «هیچ سرزمینی نیست مگر اینکه دجال وارد آن خواهد شد، غیر از مکه و مدینه، و هیچ ورودی از آنها نیست مگر اینکه بر بالای آن فرشتگانی برای نگهبانی گماشته شده اند.

در شوره زار اتراق خواهد کرد، و همچنین در روایت مسلم آمده است: در شوره زار جرف اتراق خواهد کرد، سپس مدینه سه بار به لرزه در خواهد آمد که در نتیجه آن هر کافر و منافقی در آن هست بیرون

(۱) کتاب فتن، باب ذکر دجال، حدیث (۷۱۲۴)، از حدیث انس بن مالک رضی الله عنه.

(۲) کتاب حج، باب: محفوظ ماندن مدینه از ورود دجال به آن، حدیث (۱۳۸۰)، از حدیث

أبي هريرة رضی الله عنه.

(۱)
رانده خواهد شد» متفق علیه .



(۱) روایت بخاری، کتاب فضائل مدینه، باب: دجال وارد مدینه نخواهد شد، حدیث (۱۸۸۱)،
ومسلم، کتاب فتن و نشانه های قیامت باب: قصه جَسَّاسَة، حدیث (۲۹۴۳)، از حدیث انس بن
مالک رضی الله عنه.

مدت زمان ماندگاری دجال بر زمین

به علت بزرگی فتنه مسیح دجال صحابه رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله در مورد مدت زمان ماندگاری آن بر زمین پرسیدند؛ نواس بن سمعان رضی الله عنه می گوید: « گفتیم ای پیامبر خدا، دجال چقدر در زمین خواهد ماند؟ فرمودند: چهل روز؛ یک روز آن به اندازه یک سال، و یک روز دیگر به اندازه یک ماه، و یک روز دیگر به اندازه یک هفته، و بقیه روز هایش مانند روزهای شماست.

گفتیم: از پیامبر خدا، آن روزی که به اندازه یک سال می باشد؛ نماز یک روز برای ما کافی خواهد بود؟ فرمودند: نه، شما باید وقت را معیار قرار دهید» روایت مسلم ^(۱).

ابن کثیر رحمه الله می گوید که: میانگین آن: یک سال و دو ماه و نیم می باشد» ^(۲).



(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب ذکر دجال و صفتش و آن چه به همراه دارد، حیث (۲۹۳۷).

(۲) کتاب البداية والنهاية (۲۰۵/۱۹).

فتنه مسیح دجال

دجال دارای فتنه ای بس بزرگ است، که الله متعال به وسیله آن چه که به او خواهد داد، بندگان خویش را می آزماید و الله متعال به او توانایی بعضی از اموری را خواهد داد که فقط خود او قادر به انجام آنها خواهد بود.

۱- همراه خویش دو رود آب دارد:

یکی از آنها: «بیننده آن را آبی صاف و زلال می بیند.

و دیگری: بیننده آن را آتشی شعله ور و افروخته خواهد دید»

رسول الله ﷺ فرمودند: «به راستی که مردم از آنچه دجال به همراه

دارد آگاه تر هستم، او با خود دو رود آب همراه دارد که:

یکی در ظاهر امر: آبی روان و زلال است.

و دیگری: آتشی شعله بر افروخته و سوزان.» روایت مسلم.

۲- به آسمان امر می کند پس می بارد، و به زمین امر خواهد کرد

که برویاند، رسول الله ﷺ فرمودند: «پس به آسمان دستور خواهد داد که

باران ببارد، و به زمین دستور خواهد داد که برویاند» (روایت مسلم).

۳- کسانی که به اوایمان می آورند و به ندای او لبیک خواهند

گفت: به آسمان امر نموده که ببارد، پس می بارد، و به زمین دستور می

دهد که برویاند که می رویاند، که از اثر آن حیوانات آنان سیر گشته و شیر شان فروان خواهد شد.

رسول الله ﷺ فرمودند: « دجال پیش مردم آمده و آنان را دعوت خواهد داد و به او ایمان خواهند آورد و به ندای او جواب خواهند داد، و به آسمان دستور می دهد تا بیارد، و به زمین دستور می دهد که برویاند، که گوسفندان شان به چراگاه رفته و با پستان هایی پر از شیر بر خواهند گشت، و بیش از پیش چاق خواهند شد» روایت مسلم.

۴- کسانی که به او جواب رد داده و از او فرمان برداری نخواهند کرد: دچار قحط سالی و تنگدستی و کمبود آذوقه خواهند شد، و گوسفندان شان از بین خواهند رفت، و مال و دارایی و ثمره های شان کاسته می شود.

رسول الله ﷺ فرمودند: «سپس نزد قومی خواهد آمد که به ندای او جواب نخواهند داد، که در نتیجه از آن روی خواهند گردانید، که بر اثر آن دچار قحط سالی خواهند شد و تهی دست خواهند ماند» روایت مسلم.

۵- تمام گنج های زمین، یعنی دفینه ها و یا معادن آن تحت فرمان در خواهد آمد.

رسول الله ﷺ فرمودند: «دجال بر زمین خرابه عبور کرده و به آن

دستور می دهد که گنج داخل خویش را بیرون اندازد که با دستور او گنج های زیر زمین مانند زنبور عسل به دنبال او راه خواهند افتاد» روایت مسلم.

۶- مردی را کشته و دوباره زنده می گردانند، سپس الله متعال این قدرت را از او سلب خواهد نمود؛ سپس قادر به کشتن آن مرد و یا غیر از او بار دیگر نخواهد شد.

رسول الله ﷺ فرمودند: «سپس دجال مرد جوان تنومندی را صدا زده و چنان ضربه ای به او می زند که بر اثر آن به دو نصف تقسیم شده که هر نصف آن به اندازه تیر کمان پرتاب خواهد شد، سپس او را فرا خواهد خواند و با دستور او به حالت اول خویش باز گشته و خندان به سوی او خواهد آمد» روایت مسلم.

ابن کثیر رحمه الله می گوید: «در ابتدای امر به صورت یکی از پادشاهان ظالم ظاهر خواهد شد، سپس ادعای پیغمبری خواهد کرد، سپس ادعای خدایی، که بر اثر آن انسان های نادان و اراذل و اباش و عامی به دنبال او راه خواهند افتاد، و انسان های هدایت یافته و لشکریان نیکوکار الله با او مخالفت نموده و دعوت او را رد می کنند»^(۱).

(۱) کتاب البداية والنهاية (۲۰۵/۱۹).

علامه عینی رحمه الله (ت: ۸۵۵هـ) می گوید: «فایده تمکین و قوت

دجال در زمین فقط امتحان نمودن بندگان است»^(۱).



(۱) کتاب البداية والنهاية (۲۰۵/۱۹).

واحادیثی که در این زمینه آمده است عبارتند از

۱- رسول الله ﷺ فرمودند: «دجال با ظهور خویش آب و آتش به همراه دارد، آن چیزی که مردم آن را آتش می بینند آبی سرد است، و آن دیگری را که آبی سرد می پندارند آتشی سوزان است.

و مسلم در روایتی آورده است که فرمودند: هلاک نگردید، پس هر کس از شما که او را درک کرد باید در آن چیزی بیفتد که در ظاهر امر آتشی سوزان است، ولی در حقیقت آبی سرد می باشد، و در روایت دیگری از مسلم: آبی شیرین و گواراست» متفق علیه^(۱).

۲- رسول الله ﷺ فرمودند: «به راستی که مردم از آنچه دجال به همراه دارد آگاه تر هستم، او با خود دو رود آب همراه دارد که: یکی در ظاهر امر: آبی روان و زلال است. و دیگری: آتشی شعله ور افروخته و سوزان.

پس اگر کسی دجال را درک نمود پس به سراغ آن یکی برود که

(۱) روایت بخاری، کتاب احادیث انبیاء، باب: آنچه در مورد بنی اسرائیل آمده است، حدیث (۳۴۵۰)، و مسلم، کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب ذکر دجال و صفتش و آنچه به همراه دارد، حدیث (۲۹۳۵)، از حدیث حذیفة بن الیمان رضی الله عنه.

در ظاهر آتش است و چشمانش را ببندد، سپس سرش را پایین آورده و از آن بنوشد که آبی سرد است» (روایت مسلم^(۱)).

۳- رسول الله ﷺ فرمودند: «دجال نزد اقوامی می رود و آنان را به سوی خویش دعوت می کند، و آنان به او ایمان آورده و دعوت او را لبیک می گویند، سپس دجال به آسمان دستور می دهد و آسمان می بارد، پس زمین سرسبز می گردد، سپس گوسفندان شان به چراگاه رفته و بیش از بیش چاق شده و شیر شان از قبل فروان تر خواهد گشت، و گوشت شان نیز بیشتر می گردد

سپس سراغ قومی دیگر می آید که آنان دعوت او را نپذیرفته و به او جواب رد خواهند داد، که بر اثر آن تمام دارایی آنان از بین خواهد رفت.

سپس بر خرابه ها عبور کرده و به زمین دستور می دهد تا گنج های پنهان خویش را بر آورد، پس گنجینه های زمین پشت سر او به مانند زنبور عسل پشت سر ملکه خویش، به راه خواهند افتاد.

سپس جوانی تنومند را صدا زده و او را با شمشیر از وسط نصف

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب ذکر دجال و صفتش و آنچه به همراه دارد، حیث (۲۹۳۴)، از حدیث حذیفه بن الیمان (رضی الله عنه).

خواهد کرد، سپس او را صدا خواهد زد که با صدای او دوباره زنده شده
و با چهره ای خندان سراغ او آید» روایت مسلم^(۱).

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب ذکر دجال و صفتش و آنچه به همراه دارد، حدیث (۲۹۳۷)، از حدیث الثَّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ رضی الله عنه.

حکمت فتنه مسیح دجال

الله متعال در آخر زمان به مسیح دجال امر کرده که ظهور بکند تا بدین وسیله بندگان خویش را بیازماید؛ تا ایمان مؤمنان بر اینکه او پروردگاری دروغینی بیش نیست افرون شده، و منافقان و کافران دچار شک و تردید گردند، ابن کثیر رحمه الله می گوید: «الله متعال برای دجال امور خارق العاده زیادی قرار خواهد داد، و با او هر آنکس از بندگان را که بخواهد گمراه نموده و هر آنکس را که بخواهد ثابت قدم می گرداند، و ایمان مؤمنان بیش از پیش خواهد گشت، و بریقین شان افزون خواهد شد و بر هدایتشان می افراید»^(۱).

مغیره بن شعبه رضی الله عنه می گوید: کسی از من بیشتر از رسول الله صلی الله علیه و آله در مورد دجال پرسید، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: سؤال چیست؟ گفتم: مردم می گویند: او به همراه خویش کوه هایی از نان و گوشت و رودخانه ای از آب دارد، فرمودند: «او نزد الله از این خیلی پست تر است» روایت مسلم^(۲).

(۱) کتاب البداية والنهاية (۲۰۵/۱۹).

(۲) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب: دجال نزد الله خیلی حقیر و پست تر از آن چیزی است که گمان می رود، حدیث (۲۹۳۹).

قاضی عیاض رحمه الله در باره ی مراد از سخن رسول الله صلی الله علیه وسلم (واو نزد الله از این پست تراست) می گوید یعنی: او پست تر از آن چیزی هست که الله متعال مخلوقات را به دست او داده تا با آن مومنان را گمراه گرداند، بلکه بر عکس با وجود آن بر ایمان مؤمنان افزوده خواهد شد، و بر شک و گمراهی منافقان و کافران افزوده خواهد گشت، همانگونه که دجال مؤمنی را کشته و دوباره زنده کرد ولی او می گوید: «من هرگز نسبت به تو بعد از این کارت بیشتر بصیرت نداشتم».

نه اینکه گفته رسول الله ﷺ (هُوَ أَهْوَنُ عَلَيَّ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ) بدین معناست که: به همراه او چیزی نیست؛ بلکه الله متعال با این کار دروغ او را بیشتر آشکار می سازد، همانگونه که نشانه کفر و دورغش را آشکار ساخت به گونه ای که حتی شخص بیسواد آن را خواهد خواند. تا با این کار شواهد دروغ و نقصش بیش از پیش گردد»^(۱).



(۱) کتاب إكمال المعلم بفوائد مسلم (۴۹۲/۸).

حکم پیروی از مسیح دجال

فتنه مسیح دجال فتنه ای بس بزرگ است، پس برای کسی جایز نیست که او را با بدن و یا با زبان خویش همراهی نماید، اگر چه با قلبش به او ایمان نداشته باشد.

و همچنین به خاطر تنگدستی و یا حاجت جایز نیست به دنبال او راه بیفتد، به این گمان که تصدیق کردن او اشکالی ندارد همانگونه که در امور دیگر جایز است.

مظهري رحمه الله می گوید: «گفته رسول الله ﷺ که فرمودند: «از روز خلقت آدم تا برپایی قیامت فتنه ای بزرگ تر از دجال وجود ندارد» مراد همان فتنه ی بزرگ و بلای دامن گیرش است.

و بلا و فتنه ی دجال و ترس رسول الله ﷺ بر امتش از این رو نیست که شبهه ای دامن مؤمنان آگاه به الله متعال و صفاتش را بگیرد. چرا که مؤمنان الله متعال را آنگونه که شایسته اوست شناخته اند، بنا براین هیچ شک و شبهه ای دامن آنان را نخواهد گرفت، چرا که الله متعال بدون مثل و مانند است و شبیه و همانندی ندارد، و ذاتی همانند او وجود ندارد...

رسول الله ﷺ امت خویش را از شر دجال بر حذر داشتند چرا که ظهور و خروج او در زمان تندگدستی و فقر و فاقه خواهد بود و آنان در

سختی شدیدی قرار دارند، و او بر دارایی و دامهایشان مسلط خواهد شد؛ بنابراین کسانی خواهند بود که با بدن و زبان از او پیروی نمایند، اگر چه در باطن به دروغگو بودن او یقین داشته باشند که الله همانندی ندارد.

پس پیروی کردن آنان از او و تصدیق نمودنش بر مبنای تقیه خواهد بود که فرموده الله متعال را تأویل خواهند نمود که فرمود:

﴿إِلَّا مَنْ أَكْرَهُ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ﴾

(مگر آن کس که مجبور شده و [لی] قلبش به ایمان اطمینان دارد) [سورة النحل: ۱۰۶].

و اینگونه گمان می کنند، که همانند غیر او در تصدیق او اجازه دارند.

پس کسی که از او پیروی کند: الله قلب اش را دور می نماید و هرگز ایمان قلبی اش را به الله نمی پذیرد و عذر او را نیز قبول نمی دارد، سپس در احادیث هیچ اذنی برای پیروزی از او از روی تقیه نیست.

به این دلیل بود که رسول الله ﷺ امت خویش را از شرفتنه او بر حذر می داشت...

و همچنین کسانی که از دجال بر مبنای تقیه و ترس از او و چشم داشت آنچه به همراه دارد، پیروی نمایند. الله متعال قلب های شان را بر گردانده و در نتیجه کفر خواهند ورزید.

و حقیقت اینست که امر دجال و پیروانش از اموری باشد که الله متعال در مورد آن به شدت منع فرموده است، و درباره ی آن هیچگونه رخصتی قرار نداده است، بنابراین هر کس از او پیروی نماید ایمانش به او نفعی نخواهد رساند، همانگونه که با طلوع کردن خورشید از مغرب ایمان آوردن فایده ای ندارد، اگر چه در اوج تنومندی و صحت و سلامتی بوده و توانایی انجام آن را داشته باشد.^(۱)



(۱) المفاتیح فی شرح المصابیح (۴۰۹/۵-۴۱۰).

شدید ترین مردم بر مسیح دجال

زمانیکه مسیح دجال بیرون آمد شدیدترین مردم بر او قبیله بنی تمیم^(۱) هستند، ابو هریره رضی الله عنه می گوید من همچنان بنی تمیم را دوست دارم بعد از اینکه از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که در مورد آنان فرمودند: «آنان شدید ترین مردم بر دجال خواهند بود».

و فرمودند: «وزمانی که صدقات شان رسید فرمودند: اینها صدقات قوم ما هستند».

و کنیزکی از آنان نزد عایشه بود که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «آزادش بکن که او از فرزندان اسماعیل است» متفق علیه^(۲).

ابن هبیره رحمه الله (ت: ۵۶۰هـ) می گوید: «این گفته رسول الله صلی الله علیه و آله دلالت بر شجاعت بنی تمیم و ثبات ایمان شان در آخر زمان و هنگام

(۱) **بنو تمیم:** قبیله ای بزرگ از عرب است، که سرزمین شان در الدّهَاء و شَمَالِ نَجْدِ ویمامه می باشد.

(۲) روایت بخاری، کتاب عتق، باب: هر کس برده ای از عرب داشته پس آنرا فروخته و یا هدیه داد، حدیث (۲۵۴۳)، و مسلم، کتاب فضائل صحابه، باب: از فضائل قبائل غِفَار و اُسْلَم و جُهینَه و اَشْجَع و مُزینَه و تَمیم و دَوْس و طَیّی، حدیث (۲۵۲۵).

(۱)
ناپایداری وعدم ثابت قدم بودن ایمان مردم دارد» .



(۱) کتاب الإفصاح عن معانی الصّحاح (۶/۷).

اسباب نجات و رهایی از فتنه مسیح دجال

فتنه مسیح دجال فتنه ای بزرگ است؛ و محفوظ ماندن از شر آن بعد از توفیق الهی با اموری که بیان خواهد شد می باشد:

۱- چنگ زدن به ریسمان اسلام، و مسلح شدن به سلاح ایمان، و آگاهی داشتن به اَسْمَاء و صفات الهی؛ چرا که دجال یک چشم دارد، ولی الله متعال از نقص پاک است.

۲- از شر فتنه اش به الله پناه بردن.

از عایشه رضی الله عنها روایت است که: «رسول الله صلی الله علیه و آله همیشه این دعاها را می خواندند: بار الها من به تو پناه می برم از فتنه جهنم و عذابش و از فتنه قبر و عذاب قبر و از شر فتنه رفاهیت و از شر فتنه فقر و ناداری و از شر فتنه مسیح دجال» متفق علیه ^(۱).

۳- حفظ کردن ده آیه از آیات ابتدایی و یا پایانی سوره کهف.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس ده آیه از اول سوره کهف - و در روایتی: از آخر سوره کهف - حفظ بکند از فتنه دجال در امان خواهد

(۱) روایت بخاری، کتاب دعوات، باب: پناه جستن از فتنه قبر، حدیث (۶۳۷۷)، و مسلم، کتاب ذکر و دعاء و توبه و استغفار، باب: پناه جستن از شر فتنه ها و غیره، حدیث (۵۸۹).

ماند» روایت مسلم^(۱).

۴- هر کس از ظهور دجال به او خبر رسید پس باید از آن دوری گزیند و سراغش نرود؛ چرا که شخص در حالیکه خویشان را مؤمن می داند پیش او می رود- ولی باز هم با ایراد شبهاتی که بر او وارد خواهد کرد، به دنبال او راه خواهد افتاد.

رسول الله ﷺ فرمودند: «هر کس از ظهور دجال با خبر گردید باید از آن دوری گزیند به خدا سوگند که شخص پیش او می رود در حالیکه خویشان را مؤمن می داند ولی با شبهاتی که بر او وارد می کند در نتیجه از او پیروی خواهد کرد» رواه أبو داود^(۲).

مظهري رحمه الله می گوید: «زمانی که رسول الله ﷺ به خدا سوگند یاد کرده که بعضی از امت اش از دجال پیروی خواهند کرد پس شایسته است کسی که از ظهور او با خبر می شود، از آن دوری گزیند همانگونه که بین مشرق و مغرب فاصله و دوریست، تا گرفتار فتنه او نگردد، چرا که فتنه اش بس بزرگ است، و بسیاری در آن هلاک و نابود

(۱) کتاب نماز مسافرین و قصر کردن آن، باب فضل سورة الکهف، وآية الكرسي، حدیث (۸۰۹)، از حدیث أبی الدرداء رضی الله عنه.

(۲) کتاب ملاحم، باب خروج دجال، حدیث (۴۳۱۹)، از حدیث عمران بن حصین رضی الله عنه.

خواهند گشت و کسی جز آنکس که خدا محفوظ می دارد در امان نخواهد بود^(۱).

۵- هر کس آن را دید باید با دیدنش ابتدای سوره کهف را بخواند
 نواس بن سمعان رضی الله عنه می گوید: «رسول الله صلی الله علیه و آله آغاز روزی از روز
 ها در مورد حقارت و پستی دجال و از بزرگی فتنه اش سخن راند، تا
 جایی که ما گمان بردیم که او در نخلستان نزدیک ماست.
 زمانی که پیش ایشان رفتیم ترس را در چهره های ما دیده
 و فرمودند: شما را چه شده است؟

گفتیم: ای فرستاده خدا در مورد دجال سخن رانیدید، و چنان از فتنه
 او و امرش صحبت کردید که ما گمان بردیم که او در نخلستان نزدیک
 ماست!

سپس فرمودند: غیر از دجال بر من ترسناک تر است که پیش شما
 خواهد آمد، اگر دجال ظهور بکند و من پیش شما باشم پس من خودم
 جلوی او را خواهم گرفت

و اگر خروج کرده و من نباشم پس هر کس باید از خویشتن دفاع
 بکند، والله متعال نگهدارنده و محافظت کننده هر مسلمانی است».

(۱) المفاتیح فی شرح المصابیح (۴۳۵/۵).

او جوانیست با موهای پیچ خورده و چشمی نابینا، انگار شبیه
عبدالعزی بن قطن می باشد.

وهرکس او را درک نمود پس بر او آیات آغازین سوره کهف را
تلاوت کند.

ابن الجوزی (ت: ۵۹۷هـ) رحمه الله می گوید: «اما تخصیص دادن
ده آیه در آنچه بر ما ظاهر می گردد حکمتش اینست که: **فرموده الهی:**

﴿لِيُنْذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ﴾

(از جانب خود به عذابی سخت بیم دهد) [سورة الکهف: ۲].

از شدت مصیبت دجال را خواهد کاست.

و فرموده الهی:

﴿وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا *

مَّا كُنْتُمْ فِيهِ أَبَدًا﴾

”و مؤمنانی را که کارهای شایسته می کنند نوید بخشد که برای

آنان پاداشی نیکوست * و جاودانه در آن ناز و نعمت بهشت خواهند

ماند.“ [سورة الکهف: ۲].

صبر پیشه کردن بر فتنه فریبنده دجال از آنچه از نعمت و عذاب

که با اوست را آسان می گرداند^(۱).

نووی (ت: ۶۷۶هـ) رحمه الله می گوید: « گفته شده است سبب آن اینست که در ابتدای سوره عجایب و شگفتی های فروانی وجود دارد، که هر کس آنها را با تدبر بخواند گرفتار فتنه دجال نخواهد شد، و همچنین در نهایت آن^(۲) ».



(۱) کتاب کشف المشکل (۲/۱۶۵).

(۲) کتاب شرح النووی علی مسلم (۶/۹۳).

کشته شدن مسیح دجال

بعد از فتنه ای بزرگ در زمین عیسی بن مریم علیه السلام در دمشق و کنار مناره بیضاء از آسمان نزول خواهد کرد، و دجال را خواهد کشت، رسول الله ﷺ فرمودند: «هنگامیکه مسلمانان در حال آماده گیری برای جنگ با روم هستند، و صف های جهاد را راست می کنند، و نماز برپا می دارند که در همین هنگام عیسی بن مریم ﷺ از آسمان نزول کرده و امام مسلمانان در نماز می گردد، دشمن خدا با دیدن او مانند نمک در آب حل می گردد، اگر عیسی او را به حال خودش رها نکند خودش از ترس ذوب شده و هلاک می گردد، ولی ایشان او را با دستان خویش می کشد، و خونس را که بر سر نیزه اش چسبیده است به مردم نشان می دهد روایت مسلم (۱).

و کشته شدن او توسط عیسی بن مریم بر ایمان مؤمنان خواهد افزود که او دروغگو بود.

و محل کشته شدن او در باب لد-شمال غربی بیت المقدس (۵۰) کیلو متر دور تر از آن می باشد.

(۱) کتاب فتن و نشانه های قیامت، باب: فتح کردن قسطنطینه، و خروج دجال و نزول عیسی ابن مریم، حدیث (۲۸۹۷)، از حدیث ابی هریره رضی الله عنه.

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «فرزند مریم دجال را در باب لد می کشد» (روایت ترمذی)

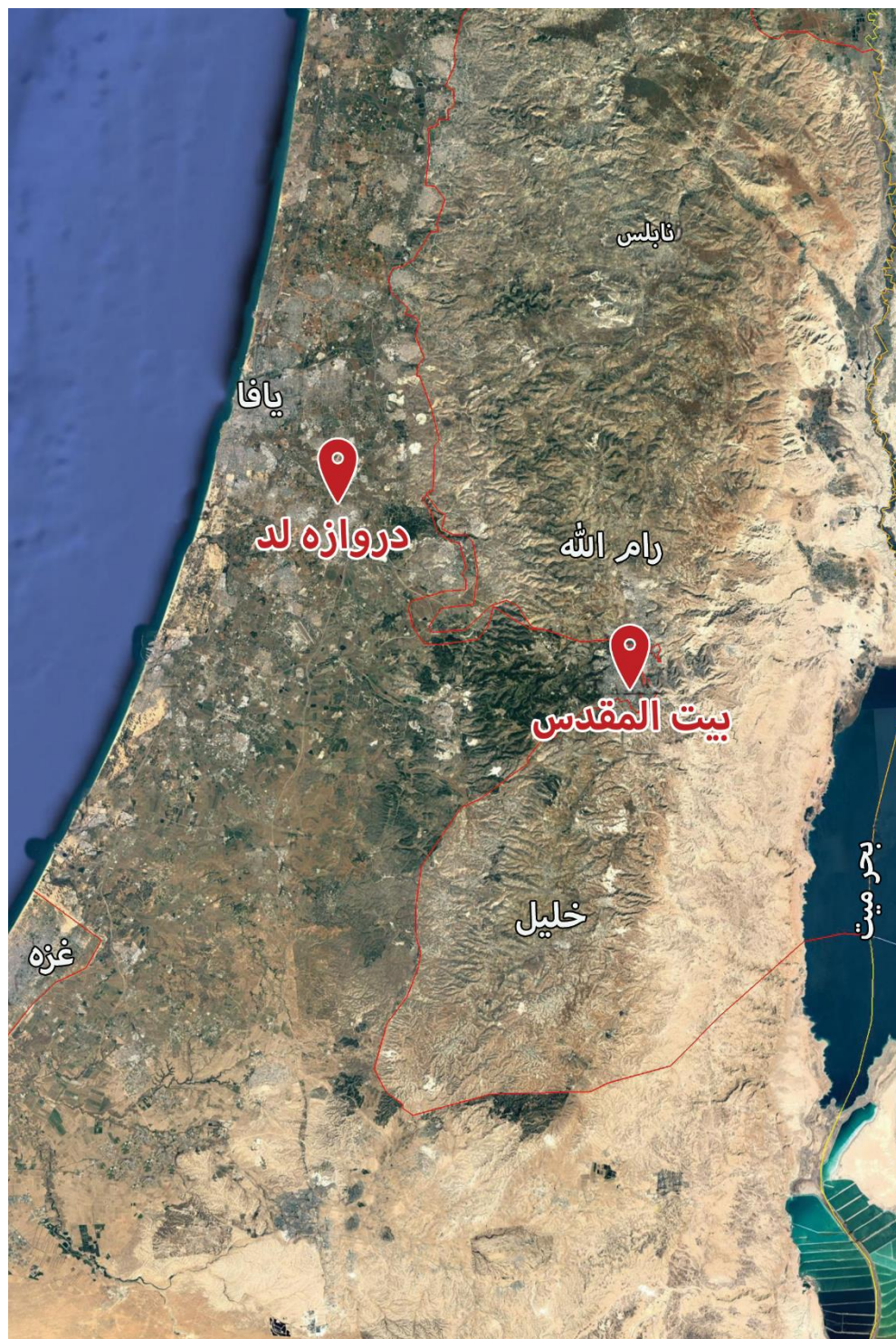
ابن کثیر رحمه الله می گوید: «نزول عیسی بن مریم علیه السلام - مسیح هدایت - در زمان مسیح دجال - مسیح گمراهی - در کنار مناره شرقی در دمشق خواهد بود، مومنان در کنار او جمع خواهند گشت، و بندگان نیکوکار الهی به همراهی او خواهند بود، و ایشان به همراهی آنان به سمت دجال روانه می گردند، در حالیکه او به طرف بیت المقدس رفته است.

عیسی علیه السلام در مکانی به نام عقبه افیق با او رو در رو شده و او را دنبال خواهد کرد و بالاخره او را در ورودی شهر لد در خواهد یافت و در حالیکه او قصد ورود به شهر را دارد او را با نیزه خویش خواهد کشت، و می گوید: من دارای یک ضربه هستم که باید او را به تو بزنم و هرگز آن را از دست نخواهم داد.

و دجال با دیدن او به مانند نمک در آب ذوب می گردد، بالاخره او را در کنار دروازه لد به هلاکت می رساند^(۱).

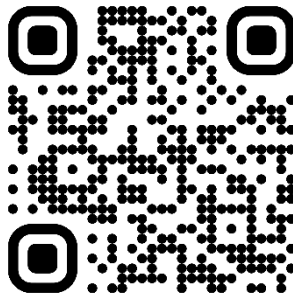


(۱) کتاب البداية والنهاية (۲۰۶/۱۹).



نقشه های توضیحی برای مکان هایی که در احادیث دجال آمده است

در لینک زیر شرح و توضیح نقشه ها و مکان های امروزی بر مبنای آنچه که در احادیث دجال آمده است وجود دارد:
a-alqasim.com/addajjaal



از الله متعال خواستاریم که ما را از شر فتنه دجال در امان بدارد، و از شر فتنه های ظاهرونهان همه ما را محفوظ و مصون بگرداند، و ما را مسلمان بمیراند.

وَصَلَّى اللهُ وَسَلَّم عَلَيَّ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.



فهرست

مقدمه	۵
طرح کتاب	۷
نام مسیح دجال	۹
علت نام گذاری او به: «مسیح دجال»	۱۱
احادیث مسیح دجال ثابت می باشد	۱۳
مسیح دجال از نشانه های بزرگ برپایی قیامت است	۱۷
بر حذر داشتن از مسیح دجال	۱۹
ترس صحابه از فتنه دجال	۲۴
صفت های مسیح دجال	۲۶
حقیقت مسیح دجال	۳۶
ناتوانی مسیح دجال	۳۸
وضعیت کنونی مسیح دجال	۴۱
نشانه هایی که دلالت بر خروج دجال دارد.	۴۳

- ۵۶..... مسیح دجال چه زمانی ظهور خواهد کرد؟
- ۶۰..... سبب خروج مسیح دجال
- ۶۱..... مکان خروج مسیح دجال
- ۷۱..... حال مردم هنگام ظهور مسیح دجال
- ۸۰..... سرعت راه رفتن مسیح دجال
- ۸۲..... مسیح دجال وارد مکه و مدینه نمی شود
- ۸۴..... ترس و وحشت مسیح دجال وارد مدینه نخواهد شد
- مکانی که مسیح دجال در اطراف مدینه برای اتراق انتخاب خواهد کرد
- ۸۶.....
- ۹۲..... مدت زمان ماندگاری دجال بر زمین
- ۹۳..... فتنه مسیح دجال
- ۱۰۰..... حکمت فتنه مسیح دجال
- ۱۰۲..... حکم پیروی از مسیح دجال
- ۱۰۵..... شدید ترین مردم بر مسیح دجال
- ۱۰۷..... اسباب نجات و رهایی از فتنه مسیح دجال

- کشته شدن مسیح دجال ۱۱۲
- نقشه های توضیحی برای مکان هایی که در احادیث دجال آمده است
- ۱۱۵.....
- فهرست ۱۱۶

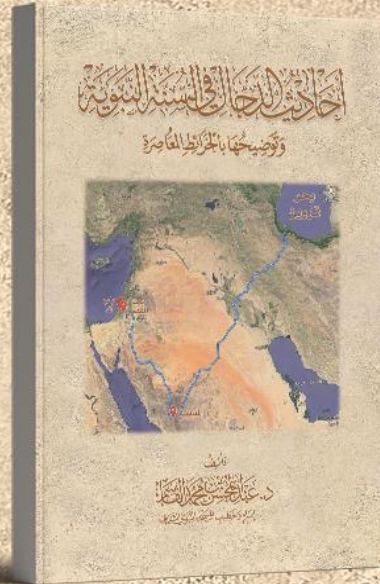
انتشارات طالب العلم

٠٠٩٦٦٥٠٦٠٩٠٤٤٨



احکام و احکام فی السنۃ النبویۃ

مترجم بالفارسیه



از منشورات ما

